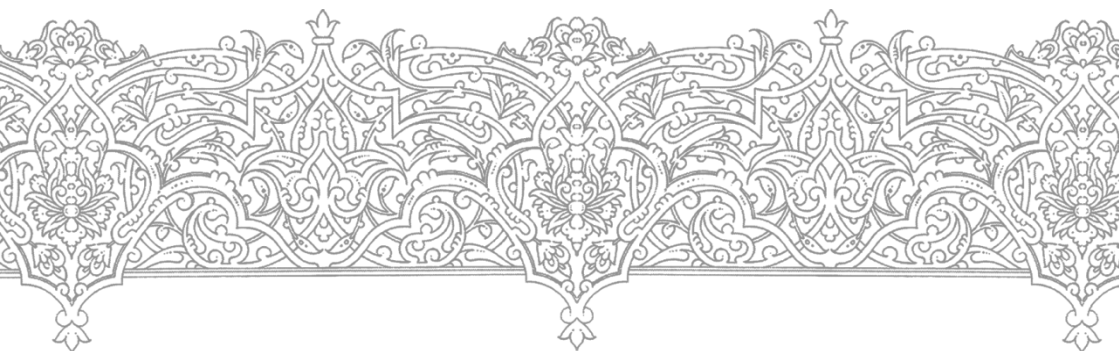




رفتار با اهل سنت در سیره اهل بیت (علیه السلام)



معنای وحدت:

امام خمینی (ره): و به این نکته باید همواره توجه داشت که معنای وحدت اسلامی هرگز به معنی کتمان حقایق و علوم نیست. بلکه معنی وحدت، بروز و ظهور بخشیدن به مشترکات فیما بین فرقه‌های مختلف اسلامی و ایجاد ارتباطات و مبادلات علمی فرهنگی، محکم کردن پیوندهای سیاسی - اقتصادی و حفظ ادب و احترام اسلامی است. وحدت اسلامی عبارت است از همدست شدن مسلمانان در حل مشکلات عمومی، و جهاد مشترک با کفر جهانی که بر تمام شئون مسلمانان چنگ افکنده است. دین ما یکی، پیامبر ما یکی، کتاب ما یکی، قبیله ما و عبادتگاه‌های ما یکی است و ما مسلمانان در اصول و در بیشتر فروع با یکدیگر مشترک هستیم، پس واجب است مراقب باشیم دشمن بین ما اختلاف نیفکند و ایجاد کینه و دشمنی نکند، که این عمده‌ترین وسیله تسلط دشمنان بر ماست، چنانچه از یکی از رؤسای دولت بریتانیا نقل شده که گفته است: «تفرقه بینداز و حکومت کن».

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه این که شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست؛ بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): اتحاد بین ملت‌های اسلامی، با اختلاف مذاهب می‌سازد، با اختلاف شیوه‌های زندگی و آداب زندگی می‌سازد، با اختلاف فقه‌ها می‌سازد. معنای اتحاد بین ملت‌های اسلامی، این است که در مسائل مربوطه به جهان اسلام، همسو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملتها، سرمایه‌های خودشان را علیه یکدیگر به کار نبرند.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): جامعه‌ی شیعه باید با متانت راه خودش را ادامه دهد. ما «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین» را رها نمی‌کنیم؛ ما تمسک به ولایت علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) - که نعمت

بزرگ خداست - را محکم نگه می‌داریم؛ اما با کسی که به این حبل متین تمسک نکرده است، دعوا هم نمی‌کنیم. این وظیفه‌ی جامعه‌ی تشیع است. آنچه که دشمن می‌خواهد؛ این است که با هم اختلاف کنیم. مقام معظم رهبری (دام‌ظله): ما نمی‌گوییم که سنی‌های عالم بیایند شیعه بشوند، یا شیعه‌های عالم دست از عقیده‌شان بردارند. البته، اگر یک سنی یا هر کسی تحقیق و تفحص کرد، عقیده‌اش هر چه شد، باید بر طبق عقیده و تحقیق خودش عمل کند. تکلیف او با خدایش است.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): ما نمی‌گوییم شما مذهب را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند.

امام خمینی (ره): دعوت به اسلام، اصلش دعوت به وحدت است.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): استنتاج من، فهم و برداشت من و توصیه من به عنوان یک خدمتگزار؛ به عنوان آدمی که توطئه دشمن را می‌بیند و حس می‌کند، به برادران مسلمان این است که امروز اتحاد بین مسلمین، برای مسلمین یک ضرورت حیاتی است. شوخی و شعار نیست؛

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): وحدت بر همه ضرورتها و اولویتها ترجیح دارد و از آنها اولی تر و مقدمتر است. چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی‌فهمیم؟! بار سنگینی بر دوش ماست و این برهه، برهه حساسی است. امروز ما مسؤول هستیم؛ امروز دولت‌ها، نخبگان، زبندگان، رجال فرهنگی و دینی مسؤولند؛ همه ما در مقابل وحدت دنیای اسلام مسؤولیم.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): این وحدت فقط بر محور اسلام باید باشد و بس، مذاهب و طوائف گوناگون به ندای ملکوتی «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»، گوش جان دهند و وحدت خود را بیش از پیش مستحکم سازند.

قرآن

امام خمینی (ره): ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم، و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): ما به عنوان عايله تشیع، باید با همه وجود احساس و اعلام کنیم که معتقد به وحدت جهان اسلام و وحدت پیروان «لااله الاالله و محمد رسول الله» هستیم. ما امروز در دنیا باید مایه وحدت بشویم؛ همچنان که همه ائمه بزرگوار ما (سلام الله علیهم) همیشه عامل جمع و وحدت بوده اند.

امام خمینی (ره): من امیدوارم که این اجتماعات ابدان منتهی بشود به اجتماع ارواح، و مهم آن است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): دعوت جمهوری اسلامی به این نیست که شیعیان یا سنیان از مذهب خود دست بکشند و به آن مذهب دیگر رو بیاورند؛ دعوت جمهوری اسلامی این است که مشترکات میان مذاهب اسلامی برجسته شود و دیوارهای ساخته‌ی دست دشمنان اسلام و عنادها و کینه‌ورزی‌ها برداشته شود؛ بله، ما شیعه و موالیان اهل بیت پیامبریم؛ اما این انقلاب، یک انقلاب اسلامی بر اساس قرآن، بر اساس توحید، بر اساس اسلام خالص و ناب، بر اساس وحدت و برادری بین همه مسلمین است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه‌ی این‌هایی که مدعی‌اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه (علیهم‌السلام) بیشتر بود. او بهتر می‌فهمید ولایت را یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت کارهای خلاف میکند، حرفهای بی‌ربط می‌زند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید.

این که امام این قدر روی مسأله «وحدت» تکیه می‌کردند، برای این است که این، یک مسأله احساساتی نیست. این یک مسأله عقلانی است.

امام خمینی (ره): ما با شما برادر هستیم به حکم قرآن، به حکم اسلام؛ و از هم جدا نیستیم. با کردها، با ترک‌ها، با بلوچ‌ها، همه برادر و باید با هم زندگی کنیم.

امام خمینی (ره): اختلاف نیندازید هر کسی از یک گوشه‌ای بگیرد. امروز اختلاف، انتحار مسلمین است.

امام خمینی (ره): امروز روزی است که [باید] تمام مسلمین تمام بلاد عالم با هم مجتمع بشوند. ... امروز روزی است که همه به دستور اسلام، به دستور قرآن کریم [باید] با هم متحد باشند، تنازع نکنند. اگر تنازع با هم بکنند، به هر شیوه‌ای باشد، به حسب قرآن کریم ممنوع است این تنازع و اگر تنازع بکنند فشل می‌آورد و رنگ و بوی انسان را و ملت را از بین می‌برد؛ این دستور خدای کریم است.

چه کسانی دنبال اختلاف اند؟

امام خمینی (ره): این‌هایی که دارند کوشش می‌کنند که تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد کنند و مع ذلک، ادعای اسلام می‌کنند، اینها آن اسلامی را که قرآن کتاب اوست، آن اسلامی را که کعبه قبله اوست، آن اسلام را نیافته‌اند و ایمان به آن اسلام نیاورده‌اند. آن‌هایی ایمان به اسلام آورده‌اند که قرآن را، محتوای قرآن را قبول دارند. محتوای قرآنی که می‌فرماید که مؤمنون اخوه هستند، برادر هستند با هم. برادری هر چه اقتضا می‌کند باید اینها انجام بدهند.

امام خمینی (ره): آن‌هایی که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند نه سنی هستند نه شیعه. اینها اصلاً به اسلام کار ندارند

امام خمینی (ره): ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): این ندای وحدت در دنیا، گران‌جا افتاده است. این را آسان نشکنید! هر که بشکند خیانت کرده است؛ هر که می‌خواهد باشد. فرقی نمی‌کند سنی باشد یا شیعه باشد.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): کتاب نوشته می‌شود علیه شیعه، کتاب نوشته می‌شود علیه سنی. وقتی دنبال می‌کنیم، می‌بینیم پول هر دوی این کتابها از آن طرف مرزها و از یک‌جا آمده است.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): عصبیتهای بین‌المذاهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیرشیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): ای قلم به دستی که نشسته ای چیزی می‌نویسی و احساسات - ولو احساسات پاک - و عقاید و ایمان به تو حکم می‌کند که فلان کلمه را در ضدیت با آن فرقه مخالف و مقابل خودت بنویسی! بدان که با نوشتن این کلمه چه اتفاقی می‌افتد؛ بدان که با ایجاد عصبیتها و دشمنیها و مخالفتها، چه کسی استفاده می‌کند.

خلیفه ثانی وقتی که در یک سفری رفت برای یکی از کشورهایی که تحت سلطه‌اش بود، نزدیک آنجا که رسیده بودند نوبت غلامش بود که سوار بشود و خلیفه پیاده افسار را بگیرد. این طور نقل می‌کنند. وقتی وارد شهر شدند، این طوری وارد شهر شدند. خلیفه افسار شتر را گرفته بود داشت می‌برد و آن غلام هم سوار شتر شده بود. اگر یک همچو حکومتی پیدا بشود که در صدر اسلام به واسطه قدرت اسلام و به واسطه قوه اسلام بوده است این مسائل، دیگر کسی آرزوی این را می‌کند که من از اهل خودم؟ اصلاً دیگر خودی باقی می‌ماند که خودم و اجنبی؟! بومی و اجنبی؟! اصلاً این مسأله طرح می‌شود در اسلام که یکی بومی است یکی غیر بومی؟! بومی و غیر بومی دیگر در کار نیست. همه اسلام است و همه مسلمین اند و همه برادرند و همه مثل هم هستند.

امام خمینی (ره): ما معترفیم که این دو برادر شیعه و سنی به واسطه دستهایی که در کار بوده است، چه از روی تقصیر یا قصور، نتوانسته‌اند اتحادی را که مسلمین باید در مقابل کفار و مشرکین داشته باشند، ایجاد نمایند. الآن هم نمی‌گذارند؛

امام خمینی (ره): اصل این مسأله که شیعه و سنی، شیعه یک طرف و سنی یک طرف، این از روی جهالت و از روی تبلیغاتی که اجانب کردند پیش آمده است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): در این کار، انگلیسیها از بقیه‌ی دشمنان استعماری، متبهرترند؛ در ایران، ترکیه و کشورهای عربی، و در شبه‌قاره‌ی هند، اینها سالها زندگی کرده‌اند، و بارموز کار آشنا هستند که چگونه می‌شود سنی را علیه شیعه تحریک کرد و چگونه می‌شود شیعه را علیه سنی تحریک کرد؛ اینها خوب بلدند. و کرده‌اند.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): باید مراقب باشید که دشمنان اسلام این همزیستی و برادری بین شیعه و سنی را به هم نزنند. ... جنگ شیعه و سنی برای دشمنان اسلام خیلی قیمت دارد. اختلاف و تفرقه میان امت اسلامی موجب می‌شود که معنویت، طراوت، قدرت، شکوه و عظمت ائتلاف ملی شما را در هم بشکند و همان‌طور که قرآن فرموده است «و تذهب ریحکم».

اختلاف به نفع و ضرر کیست ؟

امام خمینی (ره): به همه آنها سفارش کنید که ماها برادر بودیم و هستیم و خواهیم بود و مصلحت شما مصلحت ماست، مصلحت ما مصلحت شماست. ما همه قرآن شریف را باید حفظ کنیم. ماهمه دین اسلام را باید حفظ کنیم و باوحدت انشاءالله، پیروز بشویم. و شما به آنها بگویید که هیچ‌گونه اختلافی را نگذارند رشد بکند، نگذارند بین مردم یک اختلافی ایجاد بشود؛ برای اینکه این اختلافات همه به ضرر اسلام است و نفع دشمن

امام خمینی (ره): با تبلیغات وسیع بین برادرهای اهل سنت و برادرهای اهل تشیع کوشش کردند که تفرقه ایجاد کنند. با همه وسایل کوشش کردند و این دو جناح بزرگ را از هم جدا کردند، بطوری که آن طایفه این طایفه را حتی تکفیر می‌کردند و این طایفه آن طایفه را، احزاب درست می‌کردند در کشور. این اختصاص به کشور ما ندارد، همه کشورها احزابی که درست می‌کردند دو طایفه را به جان هم می‌انداختند.

امام خمینی (ره): باید ما با هم برادر باشیم. نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند و ما بنشینیم سرش دعوا بکنیم سر یک چیزی که نباید دعوا بکنیم

امام خمینی (ره): شما می‌دانید که آقایان اهل سنت و علمای شیعه مدت‌هاست که زحمت می‌کشند که تفرقه را کنار بگذارند و [با] کسانی که پیغمبرشان و دینشان یکی است همراه و برادر باشند، لکن افرادی کوشش می‌کنند که تفرقه ایجاد کنند و شما خوب می‌دانید که چه کسانی از تفرقه سود می‌برند. شما به مردم توجه دهید که این‌گونه کارها که از این قبیل افراد سومی‌زند، به نفع مسلمین نیست و آنها خیرخواه ما نیستند. این‌گونه کارها و این تفرقه‌ها خدمت به امپریالیسم و خدمت به دشمن است

امام خمینی (ره): بدانید که چنانچه یک همچو تفرقه‌ای خدای نخواسته باشد، این به سود نه شیعه تمام می‌شود و نه سنی، بلکه به سود کفار تمام می‌شود، آنهایی که اسلام را می‌خواهند زیر پا بگذارند به سود آنها تمام می‌شود

امام خمینی (ره): یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و یک دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند؛ اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق، آنها می‌خواهند نه این باشد نه آن، راه را این طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند.

امام خمینی (ره): برادرهای سنی ما مثل ما هستند، با ما هیچ فرقی ندارند در حقوق؛ حقوق همه آنها داده خواهد شد. شرکت کنند آنها هم در آنچه سرنوشت آنها را تعیین می‌کند. به حرف اشخاصی که بین آنها می‌خواهند تفرقه بیندازند، می‌خواهند به اسم سنی و شیعه بین ما برادرها را جدایی بیندازند و منافع ما را به جیب دیگران بکنند، به حرف اینها اعتنا نکنید.

امام خمینی (ره): اگر -خدای نخواست- این قدرتهای بزرگ در ایران برگردند، نه اسلامی ونه اهل سنتی ونه اهل تشیعی باقی می‌گذارد. اگر اینها ایندفعه -خدای نخواست- برگردند، برای اینکه از این برادران سنی و شیعه صدمه دیدند و از اجتماعات آنها نفعهای خودشان را و چپاولگریهای خودشان را از دست داده‌اند، این دفعه بدانید که -خدای نخواست- اگر آنها برگردند، اساس اسلام را که منشأ اجتماع شما برادران بود، از بین خواهند برد.

امام خمینی (ره): پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند؛ می‌خواست تمام ممالک دنیا را در تحت یک کلمه توحید، در تحت کلمه توحید تمام ربع مسکون را قرار بدهد، منتها اغراض سلاطین آن وقت از یک طرف و اغراض علمای نصارا و یهود و امثال ذلک از طرف دیگر سد شد؛الآن هم یهود مانع هستند که اسلام ترویج بشود؛ الآن هم نصارا مانع هستند که اسلام راه آن طور که هست، معرفی کنند. مانع هستند.

امام خمینی (ره): آنچه‌ی که آنها اصرار به آن دارند اینست که ما با هم مجتمع نشویم، ما با هم برادر نباشیم، مسلمانها در هر جا که هستند با اشکال مختلفه [باشند]؛ ... این ملی‌گرایی که به این معناست که هر کشوری، هرزبانی بخواهد مقابل کشوردیگر وزبان دیگر بایستد، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را بهم می‌زند. پیغمبرها که از اول تا ختمشان آمده‌اند، مردم را به برادری، به دوستی، به اخوت دعوت کرده‌اند.

توهین به مقدسات و یا تحریک احساسات :

الأَنْعَامُ : 108 وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنام مدهید تا مبدا آنها از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام گویند، ما بدینسان برای هر امتی عملشان را بیاراستیم و عاقبت بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است، و او از اعمالی که می‌کرده‌اند خبرشان می‌دهد

سب : دشنام: در صحاح آمده «السب: الشتم» راغب و اقرب آنرا دشنام دردناک و سخت گفته‌اند مراد از «الذین» معبودها و فاعل «یدعون» مشرکان است یعنی معبودهای مشرکان را دشنام نگوئید آنها هم از روی جهل خدا را که معبود شماست دشنام گویند. در مجمع از قتاده نقل شده: مسلمانان بت‌های مشرکان را دشنام میدادند خدا از این کار نهی کرد مبدا که آنها خدا را از روی جهالت ناسزا گویند.

دشنام در اثر نبودن منطق و در اثر زبونی است شخص تا میتواند لازم است طرف را با منطق مجاب نماید در «تب» و «حمار» گذشت که قرآن راجع به ابو لهب قصد ناسزا گوئی و بحمار قصد تحقیر ندارد. در اینجا هم از دشنام دادن بخدایان دروغین نهی کرده است.

ألهه مشرکین و لو هیچ احترامی ندارد اما چون باعث سب الله می‌شود سب آنها هم اشکال دارد حضرت علی علیه السلام : وَ قَدْ سَمِعَ قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِهِ يَسُبُّونَ أَهْلَ الشَّامِ أَيَّامَ حَرْبِهِمْ بِصِفِّينَ إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَائِينَ وَ لَكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ خَالَهُمْ كَأَنَّ أَصْوَابَ فِي الْقَوْلِ وَ أَلْبَغَ فِي الْعُدْرِ فَقُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّىٰ يَعْرِفَ الْحَقَّ مَنْ جَهْلُهُ وَ يَرْعَىٰ عَنِ الْعَىٰ وَ الْعُدْوَانَ مَنْ لَهَجَ بِهِ.

از سخنان آن حضرت است چون شنید که گروهی از یاران او شامیان را در جنگ صفین دشنام می‌گویند فرمودند: من خوش ندارم شما دشنامگو باشید. لیکن اگر کرده‌های آنان را بازگویند، و حالشان را یاد آرید به صواب نزدیکتر بود و در عذرخواهی رساتر. و به جای دشنام بگویند خدایا ما و آنان را از کشته شدن برهان! و میان ما و ایشان سازش قرار گردان و از گمراهی‌شان به راه راست برسان! تا آن که حق را نمی‌داند بشناسد و آن که برای دشمنی می‌رود و بدان آزمند است باز ایستد.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): آن کسی که علناً و آشکارا، مقدسات فرقه ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): بدانید تحریک عواطف مذهبی برادران اهل سنت کار بسیار خطا و گناه است؛ این را به عنوان یک اصل بپذیرید. ... بعضیها ناخواسته و بدون جیره و مواجب میشوند مزدور آنها، همان کاری را

که او باید پول بدهد و بدست بیاورد، آن را بدون اینکه از او اجر و مزدی هم بگیرند، برایش دارند انجام میدهند و خشم الهی و سخط الهی را برای خودشان فراهم میکنند.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): **خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر.** آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصبات کور و بیجا، چه سنی و چه شیعه، به مقدسات یکدیگر توهین میکنند، نمیفهمند چه میکنند. بهترین وسیله برای دشمن همینها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همینها هستند؛ این خط قرمز است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): سنی و شیعه هر کدام مراسم مذهبی خودشان را، آداب خودشان را، عادات خودشان را، وظائف دینی خودشان را انجام میدهند و باید بدهند؛ اما خط قرمز این است که نباید مطلقاً بین اینها به خاطر اهانت به مقدسات - چه آنچه که از سوی بعضی از افراد شیعه از روی غفلت صادر میشود، چه آنچه که از روی غفلت از بعضی از افراد سنی مثل سلفی‌ها و امثال اینها صادر میشود که یکدیگر را نفی میکنند - چیزی بیان شود. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. اینجا هم باید هوشیاری باشد.

نمونه ای به روز از تأثیرات مخرب سب و توهین

امام جمعه فهرج که گروهک تروریستی عبدالمالک ریگی وی را ربود می گفت تمام این فیلم و صوت که سب و توهین به مقدسات اهل سنت بوده را به مانشان می دادند و ما را مشرک و محدود الدم می دانستند جنگوی موسس سپاه صحابه (گروهی از تندروهای پاکستان که دائم‌عملیاتیهای تروریستی را انجام می دهند) در نوار، خودش هدف تاسیس این سپاه را در یک جمله اینگونه بیان کرده "قتل شیعه کافر" حجه الاسلام والمسلمین نجم الدین طیبی نقل از یکی از طلاب افغانستان که لباس پشتو (لباسی که غالباً اهل سنت می پوشند) پوشیده بود و زبان پشتو هم بلد بود می گوید که جلوی ماشینمان را گرفتند و همه را غیر از من کشتند به خیال اینکه من از خودشانم و گفتند "این هم هدیه ای برای الله یاری که در ماهواره هابه مقدسات اهل سنت توهین میکند." سب و توهین بیش از این که ضرر برای شیعیان دارد ضرر برای تشیع دارد

فحش دادن مطلقاً حرام است

یحرم الفحش من القول، و منه ما يستقبح التصريح به إذا كان في الكلام مع الناس ...
در کافی بابی تحت عنوان (ساب) هست که از سب مؤمنین و سب آشکار مؤمن و غیر مؤمن نهی میکند
الکافی (ط - دار الحدیث)؛ ج 4، ص: 13

قَالَ: «مَنْ فَحَشَى عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ، نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ، وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَ أَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ». هر که به برادر مسلمان خود، دشنام دهد، خدا برکت از روزی او بردارد و او را به خود واگذارد و زندگی او را تباه سازد.

ادله ضعیف در سب کردن

نحن معاشر بنی هاشم نأمر کبارنا و صغارنا بسبهما، و البراءة منهما.

این احادیث سندا مشکل دارد و با سیره اهل بیت علیهم السلام و همچنین احادیث متعدد و متواتر معنوی در نهی از سب متعارض است

عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّنَا قُلْتُ وَ لِمَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ لِأَنَّ الرَّجُلَ يَزِي فِي تَيْتُوبٍ إِلَى اللَّهِ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ الْغَيْبَةُ لَا تُغْفَرُ حَتَّى يَغْفِرَهَا صَاحِبُهَا يَا أَبَا ذَرٍّ سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ وَ أَكْلٌ لَحْمِهِ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ ذِمَّتِهِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْغَيْبَةُ قَالَ ذَكَرْتُ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - فَإِنَّ كَانَ فِيهِ الَّذِي يُذَكَّرُ بِهِ قَالَ اعْلَمْ أَنَّكَ إِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا هُوَ فِيهِ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَ إِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ.

ای ابوذر، دشنام دادن مؤمن نافرمانی و جنگ کردن با او کفر است و خوردن گوشتش سرپیچی از فرمان الهی محسوب می شود، و حرمت مالش مانند حرمت خونش است. عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله غیبت چیست؟

فرمود: غیبت آن است که از برادرت آنچه را که ناخوش دارد، یاد کنی. عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله اگر چه آنچه را که یاد می شود، در خود داشته باشد؟ فرمود: بدان که اگر او را چنان یاد کنی که از آن برخوردار است، غیبت او را کرده ای و اگر از او چنان یاد کنی که در او نیست، به او بهتان بسته ای.»

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): سب بد است، ما نباید سب کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اِنِّي اَكْرَهُ لَكُمْ اَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ مِنْ بَا سَبِّ مُخَالَفِهِمْ؛ واقعاً وجهی هم برای سب کردن نمی بینم. این ادله ای که بعد از این چندسال بعضی کسان آمدند چاپ و پخش کردند و پیش علما بردند که الا و لا یتد باید سب کرد، همه ادله سخیف و ضعیف است. نخیر؛ نباید سب کرد؛ بحث تقیّه، این جا نیست؛

دولت ها و سران کشورهای اسلامی:

امام خمینی: اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالی اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، این گونه اسیر و ذلیل استعمار نمی شوند. این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را به وجود آورده نمی گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مسلم، با این

کشورهای عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می‌گرفتند، برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد به مشتی یهود که از عمال استعمارند.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): تقریباً سر نخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست قدرتهاست. البته جهالتهای عمومی و تعصبات غیرمتکی به منطق و تحریک احساسات یکدیگر اثر دارد، اما اینها زمینه است و هیچکدام آن حوادث خونین بزرگی را که ما در تاریخ مشاهده می‌کنیم، به وجود نمی‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاه ارباب قدرت برمی‌گردد که از این اختلاف، دنبال فایده‌ی می‌گشتند.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): امروز در سرتاسر آفاق اسلامی، قلمهای مزدوری که با دلارهای نفتی و پول کیسه مرتجعان همپیمان امریکا تغذیه می‌شود، هدف و وظیفه‌شان این است که بین مسلمین اختلاف بیندازند.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): امروز دشمنان اسلام - که نه طرفدار این فرقه و نه طرفدار فرقه‌ی دیگر نیستند؛ گاهی از یک فرقه‌ای به ضرر فرقه‌ی دیگر حمایت می‌کنند، گاهی هم عکس آن عمل می‌کنند - دنبال ایجاد افتراق و شکاف بین مسلمانها هستند

مقام معظم رهبری (دام‌الله): شما ببینید برای به هم زدن همین اتحاد ضعیف کنونی، دشمن چقدر سرمایه‌گذاری می‌کند. برای اینکه بین طوایف اسلامی، فرق اسلامی، اقوام اسلامی و ملت‌های اسلامی، به بهانه‌های مختلف اختلاف بیندازند: اینها، آنها را بکشند؛ آنها، اینها را بکشند؛ اینها، بغض آنها را در دل بیورانند؛ آنها، متقابلاً کینه‌ی اینها را به دل بگیرند؛ نتیجه این بشود که از دشمن اصلی دنیای اسلام، طراحان تسلط و سیطره بر این منطقه از دنیا، غافل بمانند.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): من به چشم خود، دست‌های توطئه‌گری را می‌بینم که بخصوص در سالهای اخیر به شکل بسیار خطرناکی، برای ایجاد تفرقه بین مذاهب و مسلمین تلاش می‌کنند. دشمنان، همیشه با اتحاد مسلمانان مخالف بوده‌اند. تاریخ، شاهد بر این معناست. اما امروز که پرچم مظفر اسلام، در این نقطه از عالم، با عظمت و عزت برافراشته شده است، بیشتر از همیشه از وحدت اسلامی می‌ترسند.

مقام معظم رهبری (دام‌الله): در بستر همین اختلافات قومی و طایفه‌ی و مذهبی، دشمنان اسلام طبق سیاست همیشگی خودشان، بین مسلمانان اختلاف ایجاد می‌کنند. دست دشمن، توطئه دشمن و تدبیر دشمن را در ورای این اختلافات می‌شود بوضوح دید؛ این را باید علاج کرد. عقلای امت از همه فرقه‌ها باید نگذارند امواج فتنه در میان مسلمانها - که به وسیله دشمنان اسلام تحریک می‌شود - به طور روزافزون آرامش و الفت و محبت را به خطر بیندازد.

راه حل های بر طرف شدن اختلافات :

عمل به اسلام

امام خمینی (ره) : ای مسلمانان پاک طینت! به احکام نورانی قرآن کریم بیش از پیش گرایش کنید، و دست اتفاق و برادری به هم دهید، و از اختلافات دست بردارید، و برای قرآن کریم و اسلام عزیز فکری کنید. تعلیمات اسلام را نصب العین قرار دهید.

رعایت حقوق همدیگر

المائدة : 8 يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد بر خیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

حضرت علی علیه السلام در وصیتنامه خود برای رعایت حقوق دیگران حتی قاتل خودشان فرمودند:

يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا الْفَيْئَتِكُمْ تَخَوْضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْصًا تَقُولُونَ قَتَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ [قَتَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ] أَلَا لَا تَقْتُلَنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي انظروا إذا أنا ميتٌ من ضربتِه هذه فأضربوه ضربته بضربه ولا تمثلوا بالرجل فإنني سمعتُ رسولَ الله ص يقول إياكم و المثلة و لو بالكلب العقور

ای فرزندان عبد المطلب: مبدا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید [و دست به کشتار بزنید] و بگوئید، امیر مؤمنان کشته شد، بدانید جز کشته من کسی دیگر نباید کشته شود. درست بنگرید! اگر من از ضربت او مردم، او را تنها یک ضربت بزنید، و دست و پا و دیگر اعضای او را مبرید، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «بپرهیزید از بریدن اعضای مرده، هر چند سگ دیوانه باشد».

امام خمینی (ره) : حقوق همه افراد، چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و چه آنهایی که اقلیت مذهبی رسمی دارند، حقوق آنها همه هم در قانون اساسی ملحوظ شده است و هم اسلام برای همه آنها حقوق قائل است و با عدل اسلامی رفتار می کند

رعایت حقوق یکدیگر و لوطرف مخاطب خصم اعتقادی شما باشد

حفظ وحدت عملی

امام خمینی (ره) : برادران بیدار باشند و کسانی که درصدد این هستند که بین برادران شیعی و سنی اختلاف بیندازند، اگر وابسته به امریکا یا شوروی هستند، آنها نصیحت را معلوم نیست بپذیرند و اما اگر وابسته به آنها

نیستند و برای اسلام و برای کشور اسلامی خودشان و برای مسلمین می‌خواهند کاری بکنند، راه ایجاد اختلاف نیست. راه، این است که تمام گروه‌ها را با هم آشتی بدهند و این اجتماعی که بحمد الله در ایران پیدا شده است و این وحدت کلمه‌ای که بین همه قشرهای کشور پیدا شده است، کوشش کنند که محفوظ باشد.

امام خمینی (ره): یکی جزوه می‌دهد لعن می‌کند یک کسی را؛ یکی جزوه می‌دهد تعریف می‌کند از کسی! هر دوی مخالف است. هر دوی امروز غلط است. دست بردارید از نادانی! شما را تحریک نکنند آنهایی که با اسلام دشمنند. خیانت به اسلام نکنید! این تفرقه امروز خیانت به اسلام است، با هر اسمی که باشد. امروز سر ولایت امیر المؤمنین اختلاف کردن خیانت به اسلام است. امروز این حرفها را طرح نکنید. با اعمال شما مبادا اسلام فراموش بشود. با اعمال شما نبادا اسلام دفن بشود. اگر دلسوز به اسلام هستید، دست از تفرق بردارید. اگر دلسوز به ملت هستید، دست از تفرق بردارید.

امام خمینی (ره): ما می‌خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا از مسلمین، این طور با هم متحد بشوند. اگر متحد بشوند، نه قضیه قدس دیگر باقی می‌ماند و نه قضیه افغانستان و نه قضایای دیگر و اگر وعظاالسلطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند، ان شاء الله، پیروز خواهیم شد و دولت اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد. من از خداوند تبارک و تعالی، عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه اسلام و مسلمین را خواهان هستم

زمان شناسی و گذراز گذشته :

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): اگر کسی مخلص‌الله احساس می‌کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد؛ والا او می‌رود کتاب «احقاق الحق» را می‌آورد و به رخ این می‌کشد و این هم می‌رود کتاب «تحفه اثنی عشریه» را می‌آورد و به رخ آن می‌کشد! هر دو هم به قدر کافی کتاب پُر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشته‌اند! اگر ما خواهیم گذشته را مطرح کنیم، نمی‌شود به وحدت رسید. باید نگاه کنیم، بگوییم: گذشته، گذشته است. «رحم الله معشر الماضین». ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها هر کاری کرده‌اند، ما امروز می‌خواهیم تکلیف خودمان را - بیننا و بین الله - نگاه کنیم. بینناوبین الله، امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم. اگر بخواهیم این را عمل بکنیم، باید از گذشته صرف نظر کنیم.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله): باید برگردیم؛ باید حرکت کنیم؛ باید توبه کنیم؛ امروز وقت آن رسیده است که دنیای اسلام بازنگری کند؛ بر روی مسأله وحدت به جد فکر کند. امت از پیامبر خود عیدی می‌خواهد؛ اما امت،

در مقابل پیامبر موصّف است وظیفه عیدی خود را هم انجام دهد. عیدی امّت این است که حفظ وحدت کند و آبروی پیغمبر را محفوظ بدارد.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد.

وظیفه نخبگان، علما و مبلغان دینی با مسئله وحدت اسلامی؟

امام خمینی (ره) : (علما و دانشمندان سراسر جهان به ویژه علما و متفکران اسلام بزرگ، این کتابهایی را که اخیراً با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می‌زنند نابود کند و ریشه خلاف که سرچشمه همه گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکند؛ و یکدل و یک سو بر این رسانه‌های گروهی که در بیشتر ساعات شب و روز به فتنه‌انگیزی و نفاق افکنی و دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی عمر خود را می‌گذرانند پرخاش کنند و بر سرچشمه تروریزم که از کاخ سفید می‌جوشد بشورند.

امام خمینی (ره) : (در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است

امام خمینی (ره) : (من امیدوارم که با همت همه آقایان، علمای اعلام همه بلاد و با اجتماع همه، برادرهای اهل سنت و برادرهای اهل شیعه مجتمع با هم باشند و از اختلافی که می‌خواهند فاسدها و مفسدها ایجاد کنند بین ماها، از این اختلافات پرهیز کنند. و هر کس در محل خودش مردم را تنبه بدهد به اینکه این اختلاف جز برای اینکه به هم بزنند اوضاع ایران را و باز مسلط کنند به ما آن قدرتهای بزرگ را، چیز دیگری عایدان نمی‌شود. و البته از اول هم این اختلافات یا از جهل پیدا شده است یا از این که باز دست‌هایی در کار بوده است که نگذارند یک مملکتی وحدت کلمه داشته باشد

مسئولان سیاسی، وظیفه‌شان سنگین است؛ مسئولان فرهنگی، نویسندگان و علما، باید از طرح مسائل اختلاف آفرین و تفرقه‌افکن بپرهیزند؛ هم سنی و هم شیعه، همه، باید روی این نقطه‌ی اتحاد تکیه کنند. و توقع از علما و زیدگان و نخبگان سیاسی است که خطورت زمان را بفهمند، اهمیت اتحاد مسلمانان را بفهمند و توطئه‌ی دشمنان را برای شکستن این اتحاد و همدلی بفهمند.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): (مردم را به دست‌هایی که امروز وحدت را می‌شکنند، توجه بدهید. با مردم هم صریح حرف بزنید. امروز، آن دستی که امریکا علیه وحدت تجهیز کرده، عبارت از همین دست پلید وهابیت

است. این را صریح به مردم بیان کنید؛ پرده پوشی نکنید. از اول، وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی - مثل اسرائیل - در بین جامعه مسلمانها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای این که پایگاهی علیه اسلام درست کنند، به وجود آوردند، حکومت وهابیت و این رؤسای نجد را به وجود آوردند تا داخل جامعه اسلامی، مرکز امنی داشته باشند که به خودشان وابسته باشد و می بینید هم که وابسته اند. مقام معظم رهبری (دام ظلّه): ما همیشه به علمای فریقین گفته ایم، شما که می دانید وحدت و اتحاد حق است، بنابراین باید این نکته را به مردم خودتان و به عوام تفهیم کنید. البته، مخلصان قبول کردند و به همان اندازه هم تأثیر گذاشته اند.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): (علمای اسلامی باید کوشش کنند. فقها و متکلمین و فلاسفه اسلامی بنشینند آراء را با یکدیگر تطبیق کنند و آنها را در مجموعه هایی جمع نمایند تا نظرات فرق مختلف اسلامی در مجموعه واحد و با نگاه مساعد به یکدیگر، در اختیار همه مسلمین قرار بگیرد. این، از جمله کارهای بسیار لازم و ضروری است و امیدواریم که همت صاحب همتان، این کار را به انجام برساند .

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): (امروز ابزار کار امریکا و سردمداران سیاستهای امریکایی در منطقه، عمدتاً همان آخوندهای درباری مزدور و قلم فروش و دین فروش هستند که می توان اثر انگشت پلییدشان را در بسیاری از نفاق افکنیها و توطئه پراکنیها مشاهده کرد.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): (چقدر جای دریغ و افسوس است که ذهن متفکر اسلامی که برای عزت مسلمین و برافراشتن پرچم اسلام باید قلم بزند و تلاش کند، به دنبال مسائل اختلافی، ایجاد اختلاف، ایجاد دعوا و خلأ بین مسلمین برود، قلم بزند و کار کند؛ یکی را متهم و یکی را از دین خارج نماید! علما در این زمینه، برای انجام وحدت و فراهم کردن مقدمات وحدت و وظیفه بزرگی دارند؛ نه فقط علمای یکطرف، بلکه علمای هر دو طرف.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): (علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج فهم متعصب و وابسته‌ی به این، یا فلان، یا آن فرقه‌ی اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه‌ی منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسلهای بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): (چگونگی برخورد شیخ مفید با خصم مذهبی زمانش بیگمان متأثر از حوادث تلخ اجتماع و مصائبی است که شیعه مظلوم آن روز با آن مواجه بوده و آتش تعصبات کور آن را بر می انگیزخته است. آنگونه رفتار نمی تواند امروزه الگویی برای برخورد فرق اسلامی با یکدیگر حتی در صحنه های کلامی باشد. امروز همه فرق اسلامی باید با مشاهده آن صحنه های دردناک تاریخ، تجربه مسالمت و مهربانی بیاموزند

و در زمانی که اصول اسلام - که مفیدها در هر مذهبی برای احیاء آن، چنان رنجهایی را متحمل شده اند - از سوی دشمنان جهانی در معرض خطر است، به وحدت و اقتراب و همکاری همه فرقه ها و همه متفکران آنها بیندیشند، و این درس بزرگ انقلاب ما و رهنمود همیشگی امام راحل ما (قدس الله نفسه الزکیه) است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): (یک راه عمده‌ی آنها - استکبار - همین مسئله‌ی شیعه و سنی است که بگویند جمهوری اسلامی ایران، جمهوری شیعه است و آن را در مقابل جامعه‌ی بزرگ اهل تسنن قرار دهند؛ تعصبات و احساسات مذهبی را وارد میدان کنند. این، چیز بسیار خطرناک و مهمی است و دارند این کار را می‌کنند. دستهای سیاست بیکار نیستند. ما همه‌ی همتان باید این باشد که این خواست استکباری را خنثی کنیم. همه باید هشیار باشند؛ ملت ما، زبندگان ما، مبلغان ما، روحانیون پرتلاش و خدوم ما، همه و همه توجه بکنند که حرکتی و اظهاری که به این نقشه‌ی دشمن کمک بکند، از آنها نباید سر بزند.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): ما افتخار می‌کنیم که پیرو مکتب اهل بیت هستیم، شیعه هستیم، پیرو امامت امیرالمؤمنین و خلافت بلافصل او هستیم؛ به این افتخار می‌کنیم، اما جای اثبات این مطلب کوچک و خیابان نیست؛ جای اثبات این‌گونه مطالب در میان اهل فن، در میان متخصصین و در میان نخبگان است. تازه بحث در این‌گونه موارد باید بحث کلامی و بحث منطقی باشد؛ بدگویی و عیبجویی و فحاشی و شمشیر بر روی هم کشیدن، کمک کردن به دشمنان اسلام است که هم دشمن شیعه و هم دشمن سنی هستند. ما این را به عنوان پرچم وحدت اسلامی در انقلاب اسلامی بلند کردیم. ملت ایران این را می‌خواهد، این را می‌گوید.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): ما به همه مسلمانان و متن ملتها این توصیه را داریم که نگذارند بعضی از روحانی نماها و وعاظ وابسته به دربارها و استکبار جهانی، با طرح شعارهای تفرقه انگیز که بعضاً مشاهده می‌شود، بین برادران اختلاف بیندازند.

وظیفه برادران اهل سنت ؟

امام خمینی (ره): تمام مسلمین - چه اهل سنت و چه شیعی - برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند. از جمله جنایتهایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده‌اند ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است. من از همه برادران اهل سنت تقاضا دارم که این شایعات را محکوم و شایعه‌سازان را به جزای اعمالشان برسانند.

امام خمینی (ره): برادران سنی ما نباید به یک تبلیغاتی که از طرف دشمنان اسلام می‌شود ترتیب اثر بدهند. ما با آنها برادر هستیم، آنها با ما برادر هستند. این مملکت مال همه ماست، مال همه ما. مال اقلیتهای مذهبی، مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنت ما. همه ما با هم هستیم.

امام خمینی (ره): من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می‌دهم و از آنان می‌خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز نگاه کنند؛ و با این عملشان همانند همیشه نقشه‌های شوم اجانب را خنثی کنند.

وظیفه مردم در برابر وحدت اسلامی؟

امام خمینی (ره): بر ملت‌های اسلامی لازم است که از این گونه کتابها و نشریات تفرقه‌انگیز و استعماری اجتناب کنند، و این اشخاص مخالف وحدت مسلمین را طرد نمایند.

امام خمینی (ره): این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هر وسیله که شده می‌کوشند تا با درگیری میان مسلمانان زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند و به همین جهت، لازم است از هرگونه عمل تفرقه‌انگیز خودداری کنند، که این یک وظیفه شرعی واله‌ی است مقام معظم رهبری (دام‌ظله): اگر دیدید در جامعه بین شما کسانی هستند که عکس این [وحدت] رفتار میکنند، آنها را طردشان کنید؛ مخالفت خودتان را به آنها ابراز و اعلام کنید؛ اینها ضرر میزنند؛ ضربه میزنند. ضربه‌ای به اسلام میزنند، ضربه‌ای به تشیع میزنند، ضربه‌ای به جامعه‌ی اسلامی میزنند. این از جمله مسائل بسیار مهم است.

منطق اسلام در برخورد با مخالفین :

نظری :

1. مسلمان دانستن آنها زیرا مرز اسلام شهادتین است و لو فاجرو فاسق باشد و روایات شیعه و سنی تقریباً یکسان است
2. پاک دانستن آنها
3. محفوظ و محترم بودن جان و مال آنها
4. وجوب دفاع از جان و مال
5. جریان ارث
6. جواز نکاح

عَدُوٌّ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَأَنْسَبَنَّ الْإِسْلَامَ نَسْبَةً لَا يَنْسَبُهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَنْسَبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي إِلَّا بِمِثْلِ ذَلِكَ إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْبَقِيَّةُ وَ الْبَقِيَّةُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْعَمَلُ وَ الْعَمَلُ هُوَ الْآدَاءُ - إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَأْخُذْ دِينَهُ عَنْ رَأْيِهِ وَ لَكِنْ آتَاهُ مِنْ رَبِّهِ فَأَخَذَهُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرَى يَقِينُهُ فِي عَمَلِهِ وَ الْكَافِرَ يَرَى إِنْكَارَهُ فِي عَمَلِهِ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا عَرَفُوا أَمْرَهُمْ فَأَعْتَبُوا إِنْكَارَ الْكَافِرِينَ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود، نسبتی برای اسلام بیان کنم که کسی جز من نکرده باشد و پس از من هم کسی جز به مانند من بیان نکند: همانا اسلام همان تسلیم است و تسلیم همان یقین و یقین همان تصدیق و تصدیق همان اقرار و اقرار همان عمل و عمل همان اداء، همانا مؤمن دینش را از رأیش نگرفته، بلکه از جانب پروردگارش آمده و از او گرفته است، همانا مؤمن یقینش در عملش دیده می‌شود و کافر هم انکارش در عملش دیده می‌شود، قسم به آن که جانم در دست اوست که آنها امر دین خود را نشناختند، پس شما انکار کافران و منافقان را از کردارهای پلیدشان تشخیص دهید.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ - فَقَالَ لِي أَلَا تَرَى أَنَّ الْإِيمَانَ غَيْرَ الْإِسْلَامِ.

جمیل بن دراج گوید: از حضرت صادق علیه السلام از تفسیر آیه شریفه قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ سؤال کردم فرمود: متوجه هستی که ایمان غیر از اسلام است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمُطِ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ التَّقِيَا فِي الطَّرِيقِ وَ قَدْ آزَفَ مِنَ الرَّجُلِ الرَّحِيلُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ كَأَنَّهُ قَدْ آزَفَ مِنْكَ رَحِيلٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ فَالْتَقِنِي فِي الْبَيْتِ فَلَقِيَهُ فَسَأَلَهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَقَالَ - الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهَذَا الْإِسْلَامُ وَ قَالَ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ هَذَا الْأَمْرِ مَعَ هَذَا فَإِنْ أَقَرَّ بِهَا وَ لَمْ يَعْرِفْ هَذَا الْأَمْرَ كَانَ مُسْلِمًا وَ كَانَ ضَالًّا.

سفیان بن سبط گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: میان اسلام و ایمان چه فرقیست؟ حضرت جوابش فرمود، سپس سؤال کرد، باز جوابش نفرمود، آنگاه روزی در میان راه بیکدیگر برخوردند و کوچ کردن آن مرد نزدیک شده بود، امام صادق علیه السلام باو فرمود: گویا کوچ کردنت نزدیک شده است، عرض کرد: آری، فرمود: در خانه مرا دیدار کن. آن مرد بدیدارش رفت و از آن حضرت فرق میان اسلام و ایمان را پرسید. حضرت فرمود: اسلام همین صورت ظاهری است که مردم دارند، یعنی شهادت دادن باینکه شایسته پرستشی جز خدای یگانه بی شریک نیست و اینکه محمد بنده و رسول اوست و گزاردن نماز و دادن زکاة و حج خانه کعبه و روزه ماه رمضان. اینست اسلام. أما ایمان معرفت این امر است با این (صورت ظاهری که بیان شد) پس اگر کسی بآنها اقرار کند و باین امر عارف نباشد، مسلمان است و گمراه.

ناس در این گونه روایات اشاره به اهل سنت می‌باشد امر هم اشاره به ولایت است

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ أَ هُمَا مُخْتَلِفَانِ فَقَالَ إِنَّ الْإِيمَانَ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ وَالْإِسْلَامَ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فَقُلْتُ فَصِفْهُمَا لِي فَقَالَ - الْإِسْلَامُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ التَّصْدِيقُ بِرَسُولِ اللَّهِ ص بِهِ حَقَّتِ الدَّمَاءُ وَ عَلَيْهِ جَرَتِ الْمَنَاجِحُ وَ الْمَوَارِيثُ وَ عَلَى ظَاهِرِهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ وَ الْإِيمَانُ الْهُدَى وَ مَا يَثْبُتُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ صِفَةِ الْإِسْلَامِ وَ مَا ظَهَرَ مِنَ الْعَمَلِ بِهِ وَ الْإِيمَانُ أَرْفَعُ مِنَ الْإِسْلَامِ بَدْرَجَهُ إِنَّ الْإِيمَانَ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ فِي الظَّاهِرِ وَ الْإِسْلَامَ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فِي الْبَاطِنِ وَ إِنْ اجْتَمَعَا فِي الْقَوْلِ وَ الصَّفَةِ.

سماعه گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بمن خبر ده آیا اسلام و ایمان دو چیز مختلفند؟ فرمود: ایمان شریک اسلام می شود، ولی اسلام شریک ایمان نیست، عرض کردم: آن دو را برایم وصف کن فرمود: اسلام شهادت بیگانگی خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله است که بسبب آن خونها از ریختن محفوظ ماند و زناشویی و میراث بر آن اجرا گردد و جماعت مردم طبق ظاهرش رفتار کنند. ولی ایمان هدایت است و آنچه در دلها از صفت اسلام با پر جا می شود و عمل بآن هویدا می گردد پس ایمان یک درجه از اسلام بالاتر است. ایمان در ظاهر شریک اسلام است، ولی اسلام در باطن شریک ایمان نیست، اگر چه هر دو در گفتار و وصف گرد آیند (یعنی اگر چه گفتن شهادتین و تصدیق بتوحید و رسالت از شرایط هر دو میباشد)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانِ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُمْ أَمَنُوا فَقَدْ كَذَبَ وَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُمْ لَمْ يُسَلِّمُوا فَقَدْ كَذَبَ.

ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: «أعراب گفتند، ایمان آوردیم، بگو ایمان نیاوردید، بلکه بگوئید اسلام آوردیم» پس هر که معتقد باشد، آنها ایمان آوردند دروغ گفته و هر کس معتقد باشد، آنها اسلام نیاورده اند، دروغ گفته است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ أَ هُمَا مُخْتَلِفَانِ فَقَالَ إِنَّ الْإِيمَانَ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ وَالْإِسْلَامَ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فَقُلْتُ فَصِفْهُمَا لِي فَقَالَ - الْإِسْلَامُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ التَّصْدِيقُ بِرَسُولِ اللَّهِ ص بِهِ حَقَّتِ الدَّمَاءُ وَ عَلَيْهِ جَرَتِ الْمَنَاجِحُ وَ الْمَوَارِيثُ وَ عَلَى ظَاهِرِهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ وَ الْإِيمَانُ الْهُدَى وَ مَا يَثْبُتُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ صِفَةِ الْإِسْلَامِ وَ مَا ظَهَرَ مِنَ الْعَمَلِ بِهِ وَ الْإِيمَانُ أَرْفَعُ مِنَ الْإِسْلَامِ بَدْرَجَهُ إِنَّ الْإِيمَانَ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ فِي الظَّاهِرِ وَ الْإِسْلَامَ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فِي الْبَاطِنِ وَ إِنْ اجْتَمَعَا فِي الْقَوْلِ وَ الصَّفَةِ.

سماعه گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: بمن خبر ده آیا اسلام و ایمان دو چیز مختلفند؟ فرمود: ایمان شریک اسلام می شود، ولی اسلام شریک ایمان نیست، عرض کردم: آن دو را برایم وصف کن فرمود: اسلام

شهادت بیگانگی خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله است که بسبب آن خونها از ریختن محفوظ ماند و زناشویی و میراث بر آن اجرا گردد و جماعت مردم طبق ظاهرش رفتار کنند.

ولی ایمان هدایت است و آنچه در دلها از صفت اسلام پا بر جا می شود و عمل بآن هویدا میگردد پس ایمان یکدرجه از اسلام بالاتر است. ایمان در ظاهر شریک اسلام است، ولی اسلام در باطن شریک ایمان نیست، اگرچه هر دو در گفتار و وصف گرد آیند (یعنی اگرچه گفتن شهادتین و تصدیق بتوحید و رسالت از شرایط هر دو میباشد).

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَابٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْإِيمَانُ مَا اسْتَقَرَّ فِي الْقَلْبِ وَ أَقْضَى بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَدَقَهُ الْعَمَلُ بِالطَّاعَةِ لِلَّهِ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِهِ وَ الْإِسْلَامُ مَا ظَهَرَ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ وَ هُوَ الَّذِي عَلَيْهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ مِنَ الْفِرْقِ كُلِّهَا وَ بِهِ حَقِنَتِ الدَّمَاءُ وَ عَلَيْهِ جَرَتِ الْمَوَارِيثُ وَ جَازَ النِّكَاحُ وَ اجْتَمَعُوا عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ فَخَرَجُوا بِذَلِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ أَضِفُوا إِلَى الْإِيمَانِ وَ الْإِسْلَامِ لَا يَشْرُكُ الْإِيمَانُ وَ الْإِسْلَامُ يُشْرِكُ الْإِسْلَامَ وَ هُمَا فِي الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ يَجْتَمِعَانِ كَمَا صَارَتِ الْكَعْبَةُ فِي الْمَسْجِدِ وَ الْمَسْجِدُ لَيْسَ فِي الْكَعْبَةِ وَ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ يُشْرِكُ الْإِسْلَامَ وَ الْإِسْلَامُ لَا يَشْرِكُ الْإِيمَانَ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ فَقَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَصْدَقُ الْقَوْلِ قُلْتُ فَهَلْ لِلْمُؤْمِنِ فَضْلٌ عَلَى الْمُسْلِمِ فِي شَيْءٍ مِنَ الْفَضَائِلِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْحُدُودِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ فَقَالَ لَا هُمَا يَجْرِيَانِ فِي ذَلِكَ مَجْرَى وَاحِدٍ وَ لَكِنْ لِلْمُؤْمِنِ فَضْلٌ عَلَى الْمُسْلِمِ فِي أَعْمَالِهِمَا وَ مَا يَتَّقِيَانِ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْتُ أَلَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ زَعَمْتَ أَنَّهُمْ مُجْتَمِعُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ مَعَ الْمُؤْمِنِ قَالَ أَلَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - فَيُضَاعَفُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً فَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ يُضَاعَفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ حَسَنَاتِهِمْ لِكُلِّ حَسَنَةٍ سَبْعُونَ ضِعْفًا فَهَذَا فَضْلُ الْمُؤْمِنِ وَ يَزِيدُهُ اللَّهُ فِي حَسَنَاتِهِ عَلَى قَدْرِ صِحَّةِ إِيْمَانِهِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ يَفْعَلُ اللَّهُ بِالْمُؤْمِنِينَ مَا يَشَاءُ مِنَ الْخَيْرِ قُلْتُ أَرَأَيْتَ مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ أَلَيْسَ هُوَ دَاخِلًا فِي الْإِيمَانِ فَقَالَ لَا وَ لَكِنَّهُ قَدْ أُضِيفَ إِلَى الْإِيمَانِ وَ خَرَجَ مِنَ الْكُفْرِ وَ سَاصِرِبُ لَكَ مَثَلًا تَعْقِلُ بِهِ فَضْلَ الْإِيمَانِ عَلَى الْإِسْلَامِ أَرَأَيْتَ لَوْ بَصُرْتَ رَجُلًا فِي الْمَسْجِدِ أَمْ كُنْتَ تَشْهَدُ أَنَّكَ رَأَيْتَهُ فِي الْكَعْبَةِ قُلْتُ لَا يَجُوزُ لِي ذَلِكَ قَالَ فَلَوْ بَصُرْتَ رَجُلًا فِي الْكَعْبَةِ أَمْ كُنْتَ شَاهِدًا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قُلْتُ إِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى دُخُولِ الْكَعْبَةِ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَقَالَ قَدْ أَصَبْتَ وَ أَحْسَنْتَ ثُمَّ قَالَ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ وَ الْإِسْلَامُ

حمران بن اعین گوید: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود: ایمان چیزی است که در دل جا کند و بنده را به خدا عز و جل بکشاند و طاعت و تسلیم به امر خدا هم مصدق او باشد و اسلام گفتار و کردار ظاهری است که جمع مردم بر آنند از همه دستجات و مسلمین و به وسیله همین اسلام ظاهری است که جانها محفوظ است و میراث اجراء می شود و زناشویی روا است و اتفاق دارند بر نماز و زکاة و روزه و حج و به همین جهت از کفر بیرونند و به

ایمان نسبت دارند اسلام شریک و ملازم ایمان نیست ولی ایمان شریک و ملازم اسلام است و این هر دو در گفتار و کردار با هم جمع می‌شوند چنانچه خانه کعبه در مسجد است ولی همه مسجد در خانه کعبه نیست و همچنین ایمان شریک و ملازم اسلام و در حریم اسلام است ولی اسلام شریک و ملازم ایمان نیست و خدا عز و جل هم فرموده است (14 سوره حجرات): «اعراب گفتند ما ایمان آوردیم بگو ایمان نیاوردید بگوئید مسلمان شدیم و هنوز ایمان در دلتان در نیامده است» فرموده: خدا عز و جل راست‌ترین گفتار است، گفتیم: آیا برای مؤمن فضلی است بر مسلم در چیزی از فضائل و احکام و حدود و جز آنها؟ فرمود: نه، آنها در این باره یکسانند ولی مؤمن به مسلم برتری دارد در کردارش و تقربى که به خدا عز و جل جوید، گفتیم: مگر نیست که خدا عز و جل فرماید (160 سوره انعام): «هر که حسنه آورده ده برابر دارد» و تو معتقدی که همه اتفاق دارند بر نماز و زکاة و روزه و حج با مؤمن؟

فرمود: مگر نیست که خدا عز و جل فرماید (245 سوره بقره): «بیفزاید برایش برابرهایی بسیار» پس مؤمنان باشند که خدا عز و جل برایشان حسنات را چند برابر کند برای هر حسنه هفتاد برابر، این است فضل مؤمن و بیفزاید خدا به حسنات او به اندازه درجه ایمانش برابرهایی بسیار و خدا با مؤمن هر چه خوبی خواهد کند، گفتیم: بفرمائید هر که در اسلام در آید، در ایمان وارد نیست؟

فرمود: نه، ولی نسبت به ایمان دارد و از کفر رسته است و من برای تو مثلی بیاورم که فضل ایمان را بر اسلام بفهمی، اگر تو دیدی مردی در مسجد الحرام است، گواهی می‌دهی که او را در خانه کعبه دیدی؟ گفتیم: این برای من جائز نیست، فرمود: اگر مردی را در خانه کعبه دیدی، گواهی دهی که وارد مسجد الحرام شده؟ گفتیم: آری، فرمود: این چگونه است؟ گفتیم: او نتواند وارد کعبه شود تا در مسجد در آید، فرمود: درست فهمیدی و خوب گفتی، سپس فرمود: ایمان و اسلام هم چنین است

عملی :

تقیه : یکی از مباحث کلیدی و مهمی که در عصر حاضر باید به آن اهمیت داد و اقسامش مورد توجه قرار گیرد بحث تقیه می باشد .

امام خمینی (ره) در آغاز بحث تقیه می‌فرماید:

«چون تقیه از عناوینی است که در ارتباط با متقی (تقیه کننده) و متقی منه (شخص و یا اشخاصی که از آنها تقیه شده) و متقی فیه (امری که از آن تقیه شده است) می‌باشد، به حسب این امور و ذات آن، به اقسامی تقسیم می‌شود:

الف - به لحاظ ذات تقیه به «خوفی»، «مداراتی» «کتمانی» و «اکراهی» تقسیم می‌شود.

تقیه خوفی نیز گاهی به سبب ورود ضرر به جان یا آبرو و یا مال متقی و وابستگان او است و گاهی به سبب احتمال وقوع ضرر بر افراد دیگر از مؤمنان است و گاهی هم به سبب احتمال وقوع ضرر بر کیان اسلام است؛ مثلاً ترس از اختلاف و تفرقهٔ مسلمانان، سبب تقیه می‌شود.

تقیه مداراتی عبارت است از جلب دوستی مخالف، به سبب وحدت کلمه، بی آنکه ضرری از سوی او، شخص را تهدید کند.

تقیه کتمانی، تقیه‌ای است که به خودی خود دارای ارزش است و در برابر افشای سرّ قرار دارد. شیخ مفید؛ تقیه منحصر به موارد خوف از ضرر نیست، بلکه گاهی تقیه به جهت اصلاح است که شامل تقیه مداراتی می‌شود

نگاه و باور فقها به تقیهٔ مداراتی از جهات گوناگون متفاوت است. سزاوار است پیش از آغاز بحث، این اختلاف روشن شود. برای پرهیز از طولانی شدن نوشته، تنها به بیان نظریات شیخ انصاری و حضرت امام خمینی (ره) نسبت به تقیه خوفی و مداراتی می‌پردازیم:

1. شیخ انصاری تقیه خوفی را مقسم و تقیه مداراتی را بخشی از آن می‌داند. بنابراین، از نگاه شیخ انصاری، تقیهٔ مداراتی قسمی از تقیهٔ خوفی است و در نتیجه تقیهٔ مداراتی در طول تقیهٔ خوفی است نه در عرض آن. حضرت امام خمینی (ره) به خلاف نظریهٔ شیخ انصاری، تقیهٔ مداراتی را قسیم و در عرض تقیهٔ خوفی می‌داند. ایشان در مقام بیان تقسیمات تقیه، آن را با صرف نظر از ارتباطش با امور دیگر و به اصطلاح «فی حدّ ذاته» به «خوفی»، «مداراتی»، «اکراهی»، و «کتمانی» تقسیم می‌کند.

2. مرحوم شیخ انصاری تقیهٔ مداراتی را از نظر حکم مستحب می‌داند، اما حضرت امام خمینی (ره) آن را واجب می‌داند.

3. شیخ انصاری در ماهیت تقیهٔ مداراتی، ضرر را شرط کرده ولی می‌گوید: «ضرر تدریجی» است ولی حضرت امام خمینی (ره) در ماهیت تقیهٔ مداراتی جز جلب محبت ایجاد وحدت کلمه چیزی را شرط نمی‌کند.

بی گمان انسجام و اتحاد مسلمین در برابر دشمن مشترک از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر است زیرا تقیه مداراتی افزون بر نقش کلیدی اش در مباحث فقهی، اهمیت به سزایی در مباحث سیاسی و اجتماعی، به ویژه در ارتباطات جهانی و اتحاد و انسجام اسلامی دارد. در حقیقت باید گفت تنها از راه به کار بستن آن می‌توان به اهداف مهمی چون وحدت، عزت، مودت، قدرت و شوکت اسلامی دست پیدا کرد. از این رو، تقیه مداراتی می‌تواند مبنای فقهی برای وحدت و انسجام اسلامی باشد.

ابنُ اَبی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ اَبی عُمَرَ الْأَعْمَیِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا أَبَا عَمْرٍ إِنَّ تَسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي التَّبَيُّدِ وَ الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ .

ابی عمر و اعجمی گوید: امام صادق علیه السلام بمن فرمود: ای ابا عمرو! نه دهم دین در تقیه است و هر که تقیه ندارد دین ندارد، و تقیه در هر چیز است جز در نوشیدن نبید و مسح بر روی کفش.

كَلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ. امام صادق علیه السلام فرمود: هر چه این امر (ظهور امام قائم علیه السلام) نزدیکتر شود تقیه شدیدتر شود

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: «وَوَدِدْتُ وَاللَّهِ فِي الشَّيْعَةِ لَنَا بَعْضَ لَحْمٍ سَاعِدِي: النَّزَقَ، وَ قَلَّةَ الْكُتْمَانِ». علی بن الحسین (علیه السلام)، فرمود: من دوست دارم برای دو خصلت بد که در شیعه ما هست، گوشت استخوان دستم را عوض بدهم تا رفع شوند: کج خلقی و کم‌سرنگهداری (تنگ حوصله‌ای و کمی سرپوشی) هدف و حکمت تقیه مداراتی جلب محبت و مودت و وحدت کلمه مسلمانان است و این معنا جز با انجام عمل بر طبق نظر آنها و در جمع آنان به دست نمی‌آید.

تبلیغ عملی و رعایت اصول اخلاقی

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ الْكِنْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعْبَرُونَ بِهِ فَإِنَّ وَدَّ السَّوْءُ يُعْبَرُ وَالِدُهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعُمْ إِلَيْهِ زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شِينًا صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ ائْتَهُمْ جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ مَا عَيْدَ اللَّهُ يَشَىءُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ قُلْتُ وَ مَا الْخَبَاءُ قَالَ التَّقِيَّةُ.

هشام کندی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود؛ مبدا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کنند، همانا فرزند بد، پدرش را به کردار او سرزنش کنند، برای کسی که به او دل داده‌اید (امام خود) زینت باشید و عیب و ننگ مباحشید، در میان عشایر آنها نماز بخوانید (به نماز جماعت عامه حاضر شوید) و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه آنها حاضر شوید، مبدا آنها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت بخیر از آنها سزاوارترند، بخدا سوگند که خدا بچیزی که محبوبتر باشد نزد او از خبء عبادت نشده، عرض کردم خبء چیست؟ فرمود: تقیه. دلالت این روایت بر تقیه مداراتی تمام است؛ زیرا جمله «کونوا» صیغه امر و دال بر وجوب است. مطالبی از روایت استفاده می‌شود که عبارتند از:

1. حضور در مجالس و مساجد و مدارا کردن و عیادت مریض‌ها و تشییع جنازه مردگان آنان مطلوب ائمه (علیهم السلام) بوده و مورد تأکید آنهاست.
2. براساس این روایت مدارا کردن با اهل سنت و شرکت در مراسم عبادی - اخلاقی آنان، تقیه نامیده شده است. گفتنی است که سند روایت نیز بی اشکال و صحیح است و فقهاء دلالت روایت را پذیرفته‌اند؛ از جمله: حضرت امام خمینی (ره) در مقام بیان دلالت این روایت می‌نویسد:

«ظهور روایت، در مقام تشویق انجام عمل بر طبق نظریات آنها و خواندن نماز در مساجد ایشان است و بی شک خواندن نماز در مساجد آنها مستلزم ترک برخی از اجزاء و یا شرایط و یا انجام برخی از موانع است. با این وصف حضرت فرموده این عمل بهترین عبادت است و این عبارت دفع استبعاد از صحت عمل است». بسیاری از فقهای دیگر نیز دلالت این روایت را بر تقیه مداراتی، دست کم در مورد روایت؛ یعنی شرکت در نمازهای جماعت آنان پذیرفته‌اند؛ از جمله حضرت آیه الله خویی با اینکه صحت نماز با تقیه مداراتی را مورد خدشه قرار داده، پس از گزارش این روایت می‌نویسد:

«از این روایت استفاده می‌شود که حکمت تشریح تقیه در مورد شرکت در نماز جماعت و مانند آن، مبتنی بر ترس از ضرر نیست بلکه حکمت مدارا کردن با آنان ورعایت مصلحت نوعیه و اتحاد کلام مسلمانان است، بی آنکه ترک شرکت در نماز جماعت ضرری را در پی داشته باشد؛ زیرا در آن روزگار یاران امام به «تشیع» معروف بودند. بنابراین امر امام (علیه السلام) به شرکت در نماز آنان، به جهت شناخته نشدن اصحاب نبوده، بلکه برای مؤدب شدن به اخلاق نیکو بوده تا با این رفتار، شیعه با اوصاف زیبا و دور از تعصب و عناد و لجاجت شناخته شوند و گفته شود خدا رحمت کند جعفر را که اصحاب خوبی تربیت کرده است».

خلاصه این که، بر اساس مفاد این دسته از روایات، ائمه (علیهم السلام) ما را ترغیب و تشویق کرده‌اند که با اهل سنت ارتباط داشته باشیم و از راه‌های مختلف از جمله شرکت در نماز آنها، محبت آنان را به دست آوریم. پر واضح است که این گونه رفتار انسجام و وحدت اسلامی را در پی خواهد داشت.

جواز بر و احسان حتی به کفاری که به جنگ با اسلام و مسلمین نپراخته اند

کفار دو قسمند حربی یعنی سرجنگ با اسلام دارند و غیر حربی که ظاهراً در صلح و در ذمه مسلمین می‌باشد الممتحنه: 8 لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

الممتحنه: 9 إِنْ مَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): در اسلام، به مسلمانان دستور داده شده است که حتی کسانی که از لحاظ دین و عقیده، بر خلاف شما هستند، با آنها هم خوبی کنید. «لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ أَنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ». این، منطق اسلام است. یعنی کسی هم که از لحاظ فکری با شما یکی نیست و عقیده دیگری دارد، مظهر سزا گرفتن به خاطر عقیده، این جا نیست و شما مرجعش نیستید. «وَالْحُكْمُ لِلَّهِ وَ الْمَعَادُ إِلَيْهِ الْقِيَامَةُ». این هم کلام امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام است. شما با انسانی رویه رو هستید که یا با شما هم عقیده است و برادر شماست، یا هم عقیده نیست و در خلقت با شما شریک است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): پیام اسلام، پیام وحدت و امنیت و برادری است. امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، یک جمله ابدی دارد که درباره همه انسانهاست. می فرماید: این انسانی که در مقابل توست، یا برادر دینی توست، یا شریک خلقی توست و به هر حال، یک انسان است. همه انسانها، باید با هم متحد و مهربان باشند؛ مخصوص یک دسته و یک گروه هم نیست.

بر الوالدین (نیکی به پدر و مادر) :

حتی اگر والدین کافر یا وهابی هم باشد بر الوالدین نباید ترک شود و نیکی به آنها لازم است
الإسراء : 23 وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا پروردگارت حکم قطعی کرده که غیر او را نپرستید و به والدین احسان کنید، و اگر یکی از آن دو در حیات تو به حد پیری رسید، و یا هر دوی آنان سالخورده گشتند زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو و کمترین آزار به آنها مرسان و با ایشان به اکرام و احترام سخن بگو - یک استثنا دارد و این که والدین به جنگ با اسلام و مسلمین پرداخته باشد المجادلة : 22 لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ هِج قومی نخواهی یافت که ایمان به خدا و روز جزاء داشته باشد و در عین حال با کسانی که با خدا و رسول دشمنی می کنند دوستی کند هر چند دشمن خدا و رسول پدران و یا فرزندان و یا برادرانشان و یا قوم و قبیله‌شان باشد،
اداء الامانه : اگر چه شخصی که از او امانت گرفته شده کافر باشد از عموم این ایه برگرداندن امانت به دست می آید و مذهب و گرایش امانت دهنده مهم نیست چه باشد

الأنفال : 27 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خیانت نکنید به خدا و رسول و زنهار از اینکه خیانت کنید امانت‌های خود را با اینکه می دانید
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَّانٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَىٰ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَدْ صَلَّى الْعَصْرَ وَ هُوَ جَالِسٌ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فِي الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ بَعْضَ السُّلْطَانِينَ يَأْمِنُنَا عَلَى الْأَمْوَالِ يَسْتَوِدِعُنَاهَا وَ لَيْسَ يَدْفَعُ إِلَيْكُمْ خُمْسَكُمْ أَفَنُؤَدِّيهِمَا

إِلَيْهِمْ قَالَ وَ رَبِّ هَذِهِ الْقَبِيلَةُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ أَنَّ ابْنَ مُلْجَمٍ قَاتِلَ أَبِي فَإِنِّي أَطْلُبُهُ بِنَرَةٍ لِأَنَّهُ قَتَلَ أَبِي ائْتَمَنَنِي عَلَى الْأَمَانَةِ لَأَدِّيْتُهَا إِلَيْهِ

از عبد الله بن سنان است که رفتم نزد امام ششم (علیه السلام) که نماز عصر را خوانده بود و برابر قبله در مسجد نشسته بود و گفتم یا ابن رسول الله برخی پادشاهان ما را امین بر مال دانند و آنها را بما سپارند و حق خمس شما را ندهند آیا مالشان را بشما بدهیم؟ فرمود:

به پروردگار این قبله، تا سه بار اگر ابن ملجم کشنده پدرم که بیکر او هستم و از من خود را نهمان کرده چون که قاتل پدرم بوده بمن امانتی بسپارد البته که آن را به وی ادا کنم.

وفای به عهد :

التوبة : 4 إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُواكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ مگر آن کسانی از مشرکین که شما با آنان عهد بسته‌اید و ایشان به هیچ وجه عهد شما را نشکسته، و احدی را علیه شما پشتیبانی و کمک نکردند، که باید عهدشان را تا سر آمد مدتشان استوار بدارید که خدا پرهیزکاران را دوست می‌دارد

التوبة : 7 كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ چگونه برای مشرکین در نزد خدا و نزد رسولش عهدی باشد؟ مگر آن مشرکینی که شما با ایشان نزد مسجد الحرام عهد بستید، پس ما دام که پایدار بر عهد شما بودند شما نیز پایدار بر تعهداتی که به ایشان سپرده‌اید باشید که خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: ثَلَاثُ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُحْصَةً أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ

بسندهش تا امام پنجم (علیه السلام) فرمود: سه تا باشند که خدا عز و جل برای کسی در آنها رخصتی نداده: پرداخت امانت به خوشکار و بدکار، پائیدن به عهد برای خوب و بد و احسان به والدین خوب باشند یا بد.

حق پذیری

البقرة : 217 يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَ صَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ إِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فِيمَتٍ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ از تو از ماه حرام و قتال در آن می‌پرسند بگو قتال در ماه حرام گناهی بزرگ است ولی جلوگیری مشرکین از راه خدا و کفر به آن و جلوگیری‌شان از رفتن شما به مسجد الحرام و بیرون کردنشان مؤمنین را از آنجا نزد خدا گناه بزرگتری است چون فتنه است و فتنه جرمش از قتل بزرگتر است و این مشرکین

لا یزال با شما قتال می کنند به این امید که اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و هر کس از شما از دین خود برگردد و در حال کفر بمیرد اینگونه افراد اعمال نیکشان بی اجر شده در دنیا و آخرت از آن بهره مند نمی شوند و آنان اهل جهنم و در آن جاویداند

امان دادن و ایجاد فضا برای مخالفین برای شنیدن حق

التوبة: 6 وَ إِنِ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

و اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست پس او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود آن گاه او را به مامن خویش برسان و این به خاطر آنست که ایشان مردمی نادانند

رعایت اصول اخلاقی: راستگویی، خوب همسایه داری، خوش اخلاقی، عیادت از مریضان، کمک به مظلوم و ...

مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَىٰ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ كُونُوا دُعَاءَ إِلَىٰ أَنفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ وَ كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شِينًا وَ عَلَيْكُمْ بِطَوْلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ هَتَفَ إِبْلِيسُ مِنْ خَلْفِهِ وَ قَالَ يَا وَيْلَةَ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتُ. ابو اسامه گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: بر تو باد به تقوای خدا و ورع و کوشش و راستی گفتار و اداء امانت و حسن خلق و نیکی با همسایه. و مردم را با غیر زبان به مذهب خود دعوت کنید (یعنی رفتار شما شیعیان باید طوری باشد که مخالفینتان بگرویدن مذهب شما مایل شوند) و زینت ما باشید و ننگ ما نباشید. و بر شما باد بطول دادن رکوع و سجود، زیرا چون یکی از شما رکوع و سجود را طول دهد، شیطان از پشت سرش بانگ زند و بگوید: ای وای، که این اطاعت کرد و من نافرمانی و این سجده کرد و من سرپیچی (هنگامی که به سجده در برابر آدم مأمور گشتم).

به ابو عبد الله صادق (علیه السلام) گفتم: ما شیعیان در معاشرت با اقوام و عشیره خود و معاشرت با سایر طبقات مردم که در سلک مذهب ما نیستند چه وظایفی داریم؟ ابو عبد الله گفت: به رهبران خود بنگرید که مقتدای شما هستند و با مردم (اشاره به اهل سنت می باشد) به همان گونه معاشرت کنید که رهبران شما معاشرت می کنند: بخدا سوگند که رهبران شما از بیماران مردم عیادت می کنند، از جنازه هایشان تشییع می کنند، در محضر قضاتشان حاضر می شوند و شهادت می دهند. امانت آنان را نگهداری می کنند و باز پس می دهند

شرکت در نماز جماعت اهل سنت

س 599 استفتاء از مرحوم امام خمینی (ره): آیا نماز جماعت پشت سر اهل سنت جایز است؟

ج: نماز جماعت برای حفظ وحدت اسلامی، جایز و صحیح است.

سوال از محضر آیه الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه) آیا نماز جماعت پشت سر اهل سنت جایز است؟
ج: نماز جماعت برای حفظ وحدت اسلامی، جایز و صحیح است.

روایت اول:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: من صَلَّى معهم فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، كان كمن صَلَّى خلف رسول الله (صلى الله عليه و آله) فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ»

«هرکس با اهل سنت، در صف اول آنها نماز بگذارد، مانند کسی است که پشت سر رسول الله (صلى الله عليه و آله) در صف اول نماز گزارده است.»

حضرت امام خمینی (ره) در مقام تقریب دلالت روایت بر «تقیه مداراتی» می‌فرماید:
«نماز با رسول خدا صحیح و دارای فضیلت فراوان است، پس نماز با اهل سنت، در حال تقیه، صحیح و دارای ثواب زیاد است.» سند روایت نیز صحیح است.

روایت دوم:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «يَحْسَبُ لَكَ إِذَا دَخَلَ مَعَهُمْ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَقْتَدِي بِهِمْ مِثْلَ مَا يَحْسَبُ لَكَ إِذَا كُنْتَ مَعَ مَنْ تَقْتَدِي بِهِ»؛ «اگر با اهل سنت وارد نماز شوی، گر چه به آنان اقتدا نکنی، همان اندازه فضیلت برای تو نوشته می‌شود که پشت سر کسی که اقتدا به او صحیح است نماز گزارده باشی!»
آیه الله خوبی در باره این روایت می‌فرماید: «این روایت نیز دلالت بر این دارد که در تقیه مداراتی در مورد نماز، ترس از ضرر لازم نیست، بلکه ملاک مدارا و مجامله با اهل سنت است.»

روایت سوم:

اسحاق بن عمار می‌گوید: «قال: لي أبو عبد الله (عليه السلام). يا اسحاق أتصلي معهم في المسجد؟ قلت: نعم. قال: صلّ معهم فإنّ المصلّي معهم في الصّفِّ الأوّل كالشاهر سيفه في سبيل الله»؛
«امام صادق (علیه السلام) از اسحاق پرسید: آیا با اهل سنت در مسجد نماز می‌خوانی؟ عرض کردم: بله، فرمود: با آنان نماز بخوان؛ زیرا نماز خواندن با آنان در صف اول، مانند کسی است که شمشیرش را در راه خدا کشیده باشد.»

روایت چهارم:

«عن عليّ بن جعفر في كتابه عن أخيه موسى بن جعفر (عليه السلام) قال: صلّي حسن و حسين خلف مروان و نحن نصلّي معهم»

علی بن جعفر در کتاب خود از برادرش امام موسی کاظم (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «امام حسن و امام حسین (علیهمما السلام) پشت سر مروان نماز خوانده‌اند و ما نیز با آنها نماز می‌خوانیم.»

دلالت این روایات بر تقیه مداراتی تمام است و سند بسیاری از آنها نیز بی اشکال و معتبر است و ظهور این دسته از روایات، بلکه صریح برخی از آنها دلالت بر اجزاء عمل می‌کند.

دسته سوم

روایات فراوانی دلالت می‌کند که در نماز جماعت اهل سنت نیز همچون نماز جماعت شیعیان، قرائت از مأموم ساقط است. صاحب کتاب وسائل الشیعه، این روایات را با عنوان باب «سقوط القراءة خلف من لا یقتدی به مع تعذرها و الاجتزاء بادرک الركوع مع شدّة التقیّة» آورده است و در آن، شش حدیث را گزارش کرده است.

از جمله این روایات که مورد استدلال حضرت امام خمینی (ره) نیز واقع شده، عبارت از روایت اسحاق بن عمار است که می‌گوید: «فی حدیث قال: قلت لأبی عبدالله (علیه السلام): إننی أدخل المسجد فأجد الإمام قد رکع و قد رکع القوم فلا یمکننی أن أؤدّن و أقیّم و أكبر، فقال لی: فإذا کان ذلک، فادخل معهم فی الركعة و اعتدّ بها فإنّها من أفضل رکعاتک...»؛

به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم من وارد مسجد (اهل سنت) می‌شوم و می‌بینم که امام جماعت همراه با مأمومین به رکوع رفته‌اند. در این هنگام برایم ممکن نیست که اذان و اقامه و تکبیر بگویم و نماز خودم را بخوانم. حضرت فرمود: «همراه با آنان به رکوع رفته، آن را یک رکعت به شمار آور؛ زیرا آن رکعت از بهترین رکعات نماز تو می‌باشد».

پر واضح است که سقوط قرائت، از حکم امام به صحت نماز، بلکه افضلیت این رکعت از رکتهای دیگر قابل استفاده است. به عبارت دیگر، مناسبت حکم و موضوع بر سقوط قرائت و صحت آن رکعت دلالت دارد و در نتیجه بر این دلالت می‌کند که تقیه مداراتی موجب صحت عمل است. گفتنی است، سند روایت نیز بی اشکال است. افزون بر این روایت، روایات دیگر باب نیز بر مدعای ما دلالت دارد.

دسته چهارم

چندین روایت دلالت می‌کند که اگر کسی نمازش را فرادا بخواند و پس از آن در جماعت اهل سنت شرکت کند، ثواب و فضیلت فراوان دارد. شیخ حرّ عاملی برخی از این روایات را در بابی با عنوان: «باب استحباب ایقاع

الفریضه قبل المخالف أو بعده و حضورها معه»، گزارش و نه روایت نیز در آن آورده است؛ از جمله:

و رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْهُ عَ أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي فِي الْوَقْتِ وَ يَفْرَعُ ثُمَّ يَأْتِيهِمْ وَ يُصَلِّي مَعَهُمْ وَ هُوَ عَلَى وَضوءٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسًا وَ عِشْرِينَ دَرَجَةً.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هیچ بنده‌ای نیست که نمازش را در وقت خوانده سپس در حالی که وضو دارد، با اهل سنت در نماز جماعت شرکت کند، مگر آنکه خداوند برای وی بیست و پنج درجه می‌نویسد».

این روایت نیز دلالت می‌کند که تقیّه مداراتی، مورد تأکید و تشویق ائمه (علیهم السلام) بوده است. سند بسیاری از روایات این باب، بی اشکال است و بر مدعا نیز دلالت دارد.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه): یک وقت هست شما امام جماعت آنها را قبول ندارید، اما تقیّتا پشت سرش نماز می‌خوانید - تقیّه همان مداراتی که امام فرمودند و درست هم هست؛ تقیّه تحبیبی - این اشکالی ندارد؛ حضرت امام خمینی (ره): «منافاتی میان صحت نماز تقیّه‌ای با روایاتی که بر خواندن نماز واجب قبل از جماعت و یا بعد از آن دلالت دارد، نیست؛ زیرا این دسته از روایات بر استحباب حمل می‌شود؛ چون آن روایات نصّ در صحت هستند و این روایات بر لزوم اعاده و قضا ظهور دارند».

آیت الله خویی: در هیچ روایتی از روایات که در این باره گزارش شده، امر به اعاده و یا قضا هر چند به صورت استحباب نیامده است.

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ الْمُخَالِفِينَ فَقَالَ مَا هُمْ عِنْدِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْجُدُرِ

از امام صادق (علیه السلام) درباره نماز جماعت پشت سر اهل سنت پرسیدم. حضرت فرمود: آنان در نظر من همانند دیوارند دلالت روایت بر عدم اجزاء نماز در صورت اقتداء به اهل سنت تمام است.

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ إِنَّ مَوَالِيكَ قَدْ اخْتَلَفُوا فَأَصَلَّى خَلْفَهُمْ جَمِيعًا فَقَالَ لَا تُصَلِّ إِلَّا خَلْفَ مَنْ تَثِقُ بِدِينِهِ وَ أَمَانَتِهِ. «ابن راشد می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم:

دوستان شما در باره نماز خواندن پشت سر مخالفان (اهل سنت) اختلاف نظر دارند. آیا پشت سر آنها نماز بخوانم؟ حضرت فرمود: جز پشت سر کسی که به دین او اطمینان داری نماز نخوان».

روایات بسیاری به این مضمون وارد شده است که به جهت طولانی شدن، از آوردن یکایک آنها خودداری می‌شود در پاسخ این گونه روایات، کلام دو فقیه بزرگ عصر حاضر را می‌آوریم:

حضرت امام خمینی (ره) پس از بیان روایاتی که دلالت می‌کند تقیّه مداراتی موجب مجزی بودن عمل است، در مقام ردّ روایات معارض می‌نویسد:

«پاسخ روایاتی که دلالت می‌کند، خواندن نماز جماعت پشت سر اهل سنت جایز نیست و آنان به منزله دیوار هستند و جز پشت سر کسی که به دینش اطمینان داری، نباید نماز بخوانی، عبارت است از اینکه این روایات ناظر به بیان حکم اولی می‌باشد و منافاتی میان این دو دسته از روایات نیست؛ چون روایاتی که دلالت دارد عمل تقیّه مداراتی مجزی و صحیح می‌باشد به عنوان ثانوی است و این روایات ناظر به عنوان اولی است. در هر حال جای هیچ گونه شبهه‌ای در صحیح بودن نماز و دیگر عباداتی که به صورت تقیّه مداراتی انجام می‌گیرد نیست.»

حضرت آیت الله خویی پس از تفصیل میان عمل تقیه‌ای که امر خاصی ندارد و مورد ابتلا نیست و عمل تقیه‌ای که مورد ابتلای مردم است، قسم دوم را مجزی از مأمور به واقعی می‌داند و نیست به اصل صحت و یا عدم صحت نماز با تقیه مداراتی می‌نویسد:

«در هیچ روایتی از روایات ما، امر به اعاده و یا قضاء هر چند از باب استحباب، وارد نشده است. گر چه صاحب «وسائل الشیعه» بابتی را تحت عنوان «استحباب وقوع نماز واجب پیش از جماعت با مخالف و یا پس از آن» منعقد کرد ولی در هیچ روایتی از روایات گزارش شده، امر به اعاده و یا قضای عمل تقیه‌ای - هر چند از روی استحباب - وجود ندارد، بلکه روایاتی وارد شده که نمی‌توان در دلالت آنها بر اجزاء عمل تقیه‌ای مناقشه کرد؛ مانند روایت «من صَلَّى معهم فی الصف الأوَّل کمن صَلَّى خلف رسول الله» آیا احتمال داده می‌شود که نماز در صف اول با رسول الله مجزی از مأمور به اولی نباشد».

جمع بندی

از مجموع قرائن و شواهد، این مطلب روشن می‌شود که ادله تقیه مداراتی دلالت می‌کند که عمل از روی تقیه شکلی و صوری نیست، بلکه صحیح و امری واقعی است، ولی واقعی ثانوی. شارع مقدس از باب رعایت حفظ مصلحت اهم که مربوط به اصل و کیان اسلام و مسلمانان است، این عمل ناقص را به جای مأمور به واقعی کامل، پذیرفته است و مشابه آن در ابواب فقه، فراوان است.

هماهنگی در عبادات غیر نماز از باب وحدت و مدارات

حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌نویسد: «از جمله چیزهایی که گواه بر این است که تقیه مداراتی در موضوعات، از جمله وقوف در عرفه و مشعر در غیر زمان آن دو مجزی است، آن است که پس از رحلت رسول الله (صلی الله علیه و آله)، ائمه (علیهم السلام) و پیروان آنها به رعایت تقیه مبتلا بودند و در مدت دو بیست سال با این امری حج که از سوی خلفای جور نصب شده بودند و تعیین زمان وقوف در اختیار آنها بود، مراسم حج را انجام می‌دادند و بی گمان، اختلاف در زمان وقوف بسیار اتفاق می‌افتاد. باین وصف، چیزی از آنها مبنی بر جواز مخالفت و یا لزوم اعاده حج در سال‌های بعد و یا درک وقوف عرفه و مشعر بگونه مخفی - همانگونه که برخی از شیعیان جاهل انجام می‌دهند - گزارش نشده است و اگر یکی از این امور از سوی ائمه اتفاق می‌افتاد به طور مسلم گزارش می‌شد؛ چون داعی فراوان است و این بهترین دلیل بر اجزاء عمل تقیه‌ای در موضوعات می‌باشد».

بنابراین سیره مستمره میان ائمه (علیهم السلام) و شیعیان، دلیل بر اجزاء عمل تقیه‌ای در حج است. همین مضمون را آیت الله خویی (ره) نیز بیان کرده‌اند.

دلیل دیگر بر جاری بودن تقیه مداراتی در موضوعات، اطلاق ادله است؛ زیرا اطلاق ادله شامل احکام و موضوعات می‌شود. ممکن است اشکال شود که اطلاق و عموم اخبار از موضوعات انصراف دارد.

در پاسخ گفته می‌شود: وجهی برای این انصراف نیست؛ زیرا همانگونه که احکام مربوط به شارع و مصداق برای اطلاعات و عموومات است، موضوعات شرعی نیز به شارع مربوط می‌شود؛ به ویژه اطلاق روایاتی مانند: «ایاکم أن تعملوا عملاً نعبّر به؛ بپرهیزید از کارهایی که موجب سرزنش ما گردد».

و عَنْهُ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُعْبِرَةِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ أَنَا شَكَّكْنَا سَنَةً فِي عَامٍ مِنْ تِلْكَ الْأَعْوَامِ فِي الْأَضْحَى - فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ وَ كَانَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُضْحَى فَقَالَ - الْفِطْرُ يَوْمٌ يُفْطِرُ النَّاسُ وَ الْأَضْحَى يَوْمٌ يُضْحَى النَّاسُ وَ الصَّوْمُ يَوْمٌ يَصُومُ النَّاسُ.

«در یکی از سالها نسبت به عید قربان شک کردیم، چون به امام صادق (علیه السلام) برخوردیم، برخی از یاران را دیدیم که عید گرفته‌اند. پس حضرت فرمود: عید فطر روزی است که مردم (اهل سنت) عید می‌گیرند و عید قربان روزی است که مردم عید می‌گیرند و روزه روزی است که مردم روزه می‌گیرند».

دلالت حدیث بر ثبوت موضوعات با تقیه روشن است. اشکال در سند حدیث است که راوی ابی جارود است و عقیده‌اش فاسد می‌باشد. البته شیخ مفید او را توثیق کرده است.

میان تقیه و نفاق اختلاف ماهوی است

زیرا نفاق در اصطلاح علماء عبارت است از: «باطان الکفر و اظهار الایمان». یعنی مخفی کردن کفر که باطل است و آشکار کردن ایمان که حق است. ولی تقیه عبارت است از مخفی کردن حق و آشکار کردن خلاف آن بر اساس مصلحتی که ناشی از همان حق است. بنابراین در مورد نفاق، امر باطل به سبب مصالح شخصی و نفسانی مخفی می‌شود ولی در مورد تقیه چیزی که مخفی می‌شود مطلب حقی است و مصلحت اخفاء نیز شخصی نیست.

اعمال نیک یا اشتباهات ما به پای اهل البیت علیهم السلام تمام می‌شود

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ - لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مَا تَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ مَا الَّذِي تَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيَّ فَقَالَ لَا يَزَالُ يَكُونُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الرَّجُلِ الْكَلَامُ فَيَقُولُ جَعْفَرِي خَبِيثٌ فَقَالَ يُعِيرُكُمُ النَّاسُ بِئِي فَقَالَ لَهُ أَبُو الصَّبَّاحِ نَعَمْ قَالَ فَقَالَ مَا أَقَلَّ وَ اللَّهُ مَنْ يَتَّبِعُ جَعْفراً مِنْكُمْ إِنَّمَا أَصْحَابِي مِنْ أَشَدِّ وَرَعَةٍ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ رَجَا نَوَابَهُ فَهَوَاءٌ أَصْحَابِي.

ابو الصباح کنانی بامام صادق علیه السلام عرض کرد: در باره شما از مردم چه‌ها ببینیم (چه زخم زبانها بشنویم؟) امام فرمود: مگر در باره من از مردم چه ببینی؟ گفت: هر گاه میان من و مردی سخنی در می‌گیرد؛ بمن می‌گوید: جعفری خبیث، فرمود: شما را بمن سرزنش میکنند؟ ابو الصباح گفت: آری، فرمود: بخدا کسانی که از شما

پیروی جعفر میکنند، چه اندازه کمند!! تنها أصحاب من کسی است که ورعش شدید باشد و برای خالقش عمل کند و ثواب او را امیدوار باشد. اینها اصحاب منند.

ابو عبد الله صادق (علیه السلام) به من گفت: با هر کس مواجه شدی و فکر کردی که از من اطاعت می‌کند و سخن مرا می‌شنود، سلام مرا برسان و بگو من سفارش می‌کنم که از خدای عز و جل بپرهیزید، در دین خود پارسا باشید، در بندگی و طاعت خدا تلاش کنید، سخن را درست و راستا نقل کنید، در ادای امانت امین و با وفا باشید، سجده‌ها را طولانی کنید، حق همسایگان را به نیکی بشناسید که رسول خدا با این برنامه‌ها مبعوث شد. هر کس که شما را امین دانست و امانتی به شما سپرد، امانت او را باز پس دهید، چه نیکوکار باشد و چه بد کار باشد. رسول خدا دستور اکید می‌داد که حتی نخ و سوزن را به صاحبش بازگردانند. به فامیل خود برسید، در مراسم تشییع جنازه شرکت کنید، از بیماران دلجوئی نمائید، حق مردم را ادا کنید. هر یک از شما که در دین خود پارسا و راستگو و امین و خوش اخلاق باشد مردم با شگفتی می‌گویند: این مرد مذهب جعفری دارد، و این مایه سرور و شادمانی من است و اگر بر خلاف این برنامه رفتار کند، نکوهش و عار آن به من می‌رسد که با مسخره و استهزا می‌گویند: افتضای مذهب جعفری بهتر از این نیست. بخدا سوگند پدرم می‌گفت که پیش از این اگر در میان یک قبیله یک تن از شیعیان علی بود همان یک تن افتخار قبیله محسوب می‌شد و در امانت داری، حق شناسی، راستگوئی یک فرد نمونه بود. همه او را وصی خود می‌کردند و امانات خود را به او می‌سپردند و از هر کس سؤال می‌کردی که فلانی چگونه آدمی است؟ می‌گفت که او مثل و مانند ندارد، او در امانت داری و راستگوئی بر همه ما مقدم است.

عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّانٍ، عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحْتِمَالِ أَمْرِنَا التَّصَدِيقُ لَهُ وَالْقَبُولُ فَقَطْ؛ مِنْ أَحْتِمَالِ أَمْرِنَا سِتْرُهُ وَصِيَانَتُهُ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ، فَأَقْرَبُهُمُ السَّلَامُ، وَ قُلْ لَهُمْ: رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ، حَدَّثُوهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ اسْتَرُوا عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ». ثُمَّ قَالَ: «وَ اللَّهُ، مَا النَّاصِبُ لَنَا حَرْبًا بِأَشَدَّ عَلَيْنَا مَوَؤَنَةً مِنَ النَّاطِقِ عَلَيْنَا بِمَا نَكَّرَهُ، فَإِذَا عَرَفْتُمْ مِنْ عَبْدِ إِدَاعَةً، فَامْشُوا إِلَيْهِ وَ رُدُّوهُ عَنْهَا، فَإِنْ قَبِلَ مِنْكُمْ، وَ إِلَّا فَتَحَمَلُوا عَلَيْهِ بِمَنْ يُثْقَلُ عَلَيْهِ وَ يَسْمَعُ مِنْهُ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ، فَيَلْطَفُ فِيهَا حَتَّى تَقْضَى لَهُ، فَالْطَفُوا فِي حَاجَتِي كَمَا تَلْطَفُونَ فِي حَوَائِجِكُمْ، فَإِنْ هُوَ قَبِلَ مِنْكُمْ، وَ إِلَّا فَادْفِنُوا كَلَامَهُ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَ لَا تَقُولُوا: إِنَّهُ يَقُولُ وَ يَقُولُ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُحْمَلُ عَلَيَّ وَ عَلَيَّكُمْ؛ أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ كُنْتُمْ تَقُولُونَ مَا أَقُولُ، لَأَقْرَرْتُ أَنْكُمْ أَصْحَابِي، هَذَا أَبُو حَنِيْفَةَ لَهُ أَصْحَابٌ، وَ هَذَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ لَهُ أَصْحَابٌ، وَ أَنَا أَمْرٌ مِنْ قَرِيْبٍ قَدْ وَ لَدَنِي رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ عَلِمْتُ كِتَابَ اللَّهِ، وَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ: بَدَأَ الْخَلْقَ، وَ أَمَرَ السَّمَاءَ، وَ أَمَرَ الْأَرْضَ، وَ أَمَرَ الْأَوَّلِينَ، وَ أَمَرَ الْآخِرِينَ، وَ أَمَرَ مَا كَانَ، وَ أَمَرَ مَا يَكُونُ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ذَلِكَ نَصْبَ عَيْنِي»

ابو جعفر باقر (علیه السلام) فرمودند: با هر کس که آمیزش و معاشرت داری، اگر توان آن را داری که دست بالا باشی، حتما این کار را بکن و در احسان و نیکی پیشقدم باش. عبد الاعلی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: تحمل امر ما تنها بتصدیق و پذیرفتن آن نیست، از جمله تحمل امر ما پنهان‌داری و نگهداشتن آن از ناهلش باشد. به شیعیان ما سلام برسان و به آنها بگو: خدا رحمت کند بنده‌ای را که دوستی مردم (مخالفین ما) را بسوی خود کشاند، آنچه را میفهمند به آنها بگوئید و آنچه را نمی‌پذیرند از آنها بیوشید. سپس فرمود: بخدا کسی که بجنگ ما برخاسته زحمتش برای ما از کسی که چیزی را که نمی‌خواهیم از قول ما میگوید بیشتر نیست. چون دانستید کسی (امر امامت و احادیث مخصوص ما را) فاش میکند، نزدش روید و او را از آن بازدارید، اگر پذیرفت چه بهتر و گر نه کسی را که بالاتر از اوست و از او شنوائی دارد بر او تحمیل کنید (تا منعش کند و بازش دارد) همانا مردی از شما مطلوبی که دارد چاره‌جوئی و لطیفه کاری میکند تا حاجتش بر آورده شود، نسبت به حاجت من هم چاره‌جوئی کنید چنان که نسبت بحوائج خود می‌کنید (یعنی با لطائف و حیل او را از فاش کردن اسرار ما باز دارید) اگر از شما پذیرفت چه بهتر و گر نه سخنش را زیر پای خود دفن کنید (نشنیده انگارید) و نگوئید او چنین و چنان میگوید، زیرا نقل شما به دیگران، مردم را بر من و شما می‌شوراند.

هان بخدا اگر شما آنچه را من میگویم بگوئید، اعتراف می‌کنم که شما اصحاب منید، این ابو حنیفه است که اصحابی دارد، و این حسن بصری است که اصحابی دارد و من مردی قرشی و زاده رسول خدایم صلی الله علیه و آله و کتاب خدا را فهمیده‌ام، بیان همه چیز در کتاب خدا هست از ابتداء خلقت و امر آسمان و زمین و امر پیشینیان و پسینیان و امر گذشته و آینده و گویا همگی در برابر چشم من است و بآن مینگریم.

امام موسی صدر برای اینکه بتواند سرو سامانی به اوضاع شیعه در لبنان بدهد گفت باید اول جو عمومی و دید عمومی نسبت به شیعه باید عوض شود زیرا که اکثرا در کوچه پس کوچه‌ها مشغول گدایی بودند و این کار آنها چهره شیعه را زشت جلوه داده بود لذا موسسه‌ای تاسیس کرد و حتی با کمک از مسیحیان مشغول جمع‌آوری گداها از سطح شهر شد و در این کار بسیار موفق بود

چنانکه گذشت تاکنون عالمان شیعه و غیرشیعه برای رفع این مشکل تلاش‌هایی کرده‌اند که از جمله آنها عالم بیدار دوران‌دیش و مصلح زمانشناس امام موسی صدر است. ایشان (که خدایش بازگرداند) با عالمان مسلمان در این باره گفت‌وگو و مکاتبه میکرد. از جمله در نامه‌ای به شیخ حسن خالد مفتی لبنان به تاریخ 1348 / 3 / 2 ش، می‌نویسد: ...در این روزهای دشواری که امت اسلامی در نگرانی و اضطراب بسر می‌برد و حال و آینده همه منطقه در معرض تندبادی ویرانگر قرار گرفته است، بیش از هر وقت دیگری ضرورت وحدتی فراگیر و عمیق ... احساس می‌شود ... از این فرصت استفاده می‌کنم و اندک تجربه خود را در این زمینه پیش روی شما قرار می‌دهم، همانکه پیشتر نیز در نخستین دیدارمان در مرکز اسلامی افتاء از آن سخن گفتم. ریشه‌دار کردن وحدت اسلامی از دو راه شدنی است:

1. وحدت فقهی ...

2. کوششهای جمعی.

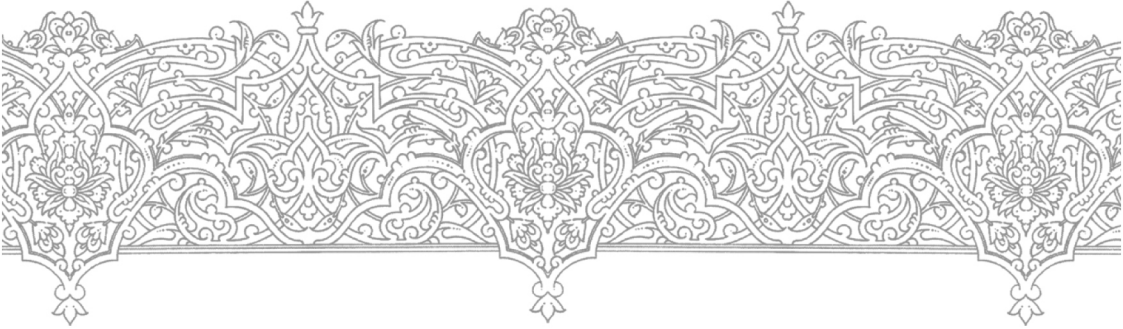
این راه در تلاشهای مشترکی نمود می‌یابد که برای تحقق اهداف خاص دینی و اجتماعی صورت می‌گیرد ... به عنوان نمونه برخی از این اهداف را یادآور می‌شوم: اهداف کاملاً دینی، مانند وحدت عیدها و شعائر دینی و یکی شدن الفاظ برخی از عبادتها مانند اذان و نماز جماعت. می‌توان برای به دست آوردن طلوع ماه نو در افق به روشهای نوی علمی اعتماد کرد تا روز عید فطر به دقت معلوم شود و مسلمانان جهان بتوانند روز واحدی را به عنوان عید گرامی بدارند و به راحتی بتوانند از پیش برای این روز برنامه‌ریزی کنند. همچنین می‌توان برای اذان الفاظی را در نظر گرفت که مورد پذیرش همگان باشد ...

ارجاعات:

- وسائل الشیعة / ج 2 / 152 / 281 باب تحریم اغتیاب المؤمن و لو كان صدقا..... ص: 278
 جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام ج 22، ص: 62
 مستند الشیعة فی احکام الشریعة؛ ج 14، ص: 159
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 166 / باب أخوة المؤمنین بعضهم لبعض ص: 165
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 636 / باب ما یجب من المعاشرة ص: 635
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 164 / باب الاهتمام بأمور المسلمین و النصیحة لهم و نفعهم ص: 163
 صراط النجاة (التبیری) ج 9، ص: 202
 إرشاد المسائل (لنکلبایگانی)؛ ص: 183
 الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج 2، ص: 248
 مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان؛ ج 13، ص: 164
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 166
 المؤمن // 4 / 43 / باب حق المؤمن علی أخیه
 گزیده کافی ج 1 348 آداب معاشرت ص: 347
 الرسائل، ص: 196
 التفتیح فی شرح العمرة الوقتی، ج 4 ص 292
 این اشکال از شیخ انصاری است، مطالب، مسأله تقیه، ص: 321
 وسائل الشیعة، ج 11، ابواب الامر و النهی، باب 26 ج 2
 تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) / ج 4 / 317 / 72 باب الزیارات ص: 309
 التفتیح فی شرح العمرة الوقتی، ج 5 ص 252
 الرسائل، ص: 99
 تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) / ج 3 / 266 / 25 باب فضل المساجد و الصلاة فیها و فضل الجماعة و أحكامها ص: 248
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 3 / 373 / باب الصلاة خلف من لا یقتدی به ص: 373
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 26 / باب أن الإیمان یشترک الإسلام و الإسلام لا یشترک الإیمان ص: 25
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 25 / باب أن الإسلام یحقن به الدم و تؤدی به الأمانة و أن الثواب علی الإیمان ... الکافی
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 45 / باب نسبة الإسلام ص: 45
 رؤیت هلال، مقدمه ج 1، ص: 153
 أجوبة الاستفتاءات (فارسی)؛ ص: 120
 مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج 5، ص: 227
 مبانی فقهی حکومت اسلامی؛ ج 1، ص: 105
- کشف الغمّه، ج 1، ص 483
 ولایت فقیه (امام خمینی)؛ ص: 37
 توضیح المسائل (محتسب - امام خمینی)؛ ج 1، ص: 811
 رسائل فقهیه، ص: 2
 الرسائل، ص: 174
 رسائل فقهیه، ص: 75
 الکافی (ط - دارالحدیث) / ج 3 / 563 / 98 - باب الکتمان ص: 561
 الکافی ج 2 / 77 باب الروع ص: 76
 من لا یحضره الفقیه / ج 1 / 407 / باب الجماعة و فضلها ص: 375
 وسائل الشیعة، ج 5، باب 5 از ابواب صلاة الجماعة، ص 383.
 وسائل الشیعة، ج 5، ص 381 ح 3، باب 5 از ابواب صلاة الجماعة
 وسائل الشیعة، ج 5، ص 381 ح 1، باب 5 از ابواب صلاة الجماعة.
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 77 / باب الروع ص: 76
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 162
 مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ج 14 / 10 / 2 باب وجوب رد الأمانة الی البر و الفاجر ص: 8
 التفتیح فی شرح العمرة الوقتی، ج 4 ص 316
 الکافی ج 2 / 219 باب التقیة ص: 217
 الکافی (ط - دارالحدیث) / ج 3 / 561 / 98 - باب الکتمان ص: 561
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 220 / باب التقیة ص: 217
 فرهنگ اجددی عربی-فارسی، متن، ص: 93
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 307 / باب العصیة ص: 307
 الکافی (ط - دارالحدیث) / ج 3 / 750 / 123 - باب العصیة ص: 749
 بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج 32 / 561 / باب جعل ما وقع یصفین من المحاربات و الاحتجاجات الی التحکیم ص: 447
 عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال ج 20-قسم 2-الصادق ع / 992 / 2 - باب حال الکمیت ص: 991
 خوبی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (لناخوانی)، 2 جلد، نشر مدینه العلم، قم - ایران، 28، 1410 هـ ق
 نهج البلاغه، ومن وصیة له ع للحسن و الحسنین ع لما ضربه ابن ملجم لعنه الله ..ص: 421
 الکافی (ط - الإسلامية) / ج 2 / 217 / باب التقیة ص: 217
 شرح عقاید صدوق، ص 24
 صحیفه امام



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش

اتحاديه بين المللى امت واحده

آدرس: قم، خ صفائيه، ك ۲۱، پ ۱۹

www.unified-ummah.com